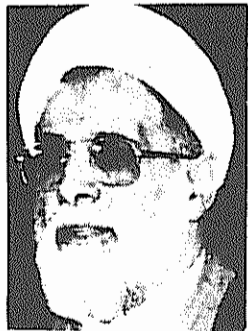


اداره «حمایت از قانون اساسی» آلمان: تیم ترور مستقیماً از تهران به برلین فرستاده شده بود

● وزارت خارجه آلمان مانع تعقیب علی فلاحیان شده است

یکی از سازمان‌های اطلاعات و امنیت آلمان به نام «اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی» طی نامه‌ای به دادستانی کل آلمان، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم ترور رهبران کرد ایران اعلام کرد. این نامه که به تاریخ ۲۲ دسامبر سال گذشته به دادستانی کل آلمان ارائه شده، روز ۱۱ ژانویه در جلسه دادگاه قرائت شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «یک دایره هدایت عملیات خارج از کشور سازمان اطلاعات و امنیت ایران، به طور مستقیم در ترور ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین دست داشته است. این دایره که مسئولیت ترور را بر عهده دارد و به نام واحد «عملیات ویژه» شناخته شده است، از مدت‌ها پیش به اعضای حزب دموکرات کردستان ایران اختصاص داده شده بود. به طور مثال یک تیم از همین دایره، مسئول ترور عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران بود.

تلاش روحانیون حاکم برای جلوگیری از شکاف در اساس رژیم



ناطق نوری، صحنه‌گردان اصلی خیمه شب بازی انتخابات

● احتمال شکست جناح رسالت و طرفداران رفسنجانی برای ارائه یک لیست انتخاباتی مشترک شدت گرفت
● اعضای مجمع روحانیون مبارز دعوت ناطق نوری برای ثبت نام در لیست جامعه روحانیت مبارز را رد کردند
● دفتر تحکیم وحدت: نظارت استصوابی شورای نگهبان باید لغو شود
● نهضت آزادی و جبهه ملی رسماً اعلام کردند با شرایط کنونی در انتخابات شرکت نمی‌کنند

جناح رسالت که هم‌اکنون اکثریت مجلس و شورای نگهبان را در اختیار دارد در تلاش برای «گرم کردن تنور انتخابات» با دشواری‌های بیشتری مواجه شده است. این جناح از طریق ناطق نوری رئیس مجلس به تلاش‌هایی برای ائتلاف با هواداران رفسنجانی و جلب بخشی از اعضای «مجمع روحانیون مبارز» دست زده است تا هم پیروزی خود در انتخابات را تأمین کند و هم مخالفت‌های جناح‌های ناراضی جمهوری اسلامی و خطر تحریم انتخابات توسط انسان‌ها را خنثی سازد.

ناطق نوری، صحنه‌گردان اصلی خیمه شب بازی انتخابات «کاندیدای جامعه روحانیت مبارز» را بپذیرند. به جز نوری سایرین درخواست ناطق نوری را رد کرده‌اند و گفته‌اند که بهتر است او به سراغ رهبران مؤثر مجمع روحانیون مبارز برود. روزنامه‌های وابسته به روحانیون مبارز این اقدامات ناطق نوری را از یک سو خنثی کردن سیاست مجمع بقیه در صفحه ۲

منبر و روانی‌پور از زندگی و کتاب‌هایش می‌گوید زن تنها متهم درجه یک صفحه ۷

به یاد ارنست گلنر این ناسیونالیسم است که ملل را می‌سازد صفحه ۱۱

عزت‌الله‌سحابی، حبیب‌الله پیمان پیروز دوانی ابراهیم یزدی میزگرد سیاسی صفحه ۸

سروش در پاسخ به ولایتی: آزادی، بنیان همه دشمنان این مرز و بوم را خواهد کند

● اگر «مساله دکتر سروش» مساله بین‌المللی است، برای همین است که مصداقی از ناامنی اهل قلم در این دیار است

عبدالکریم سروش در پاسخ به سخنانی که علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه رژیم علیه او بر زبان آورد، نامه سرگشاده‌ای به روزنامه‌ها فرستاد که خلاصه‌ای از آن منتشر شد. سروش نوشت «سخنان ناصواب و نامستولانه یک مقام مسئول کشوری چنان دل حقیقت را بدر آورد» که دیگر نمی‌شد مانند پیش در مورد کذب و تحریف «مسئله سروش» سکوت کرد. ولایتی در پاسخ به پرسش یک دانشجو تأیید کرده بود که «مسئله سروش» از لحاظ سیاست بین‌المللی مشکلی برای جمهوری شده است. ولایتی افزوده بود سروش سخنان علمی را به محافل عمومی می‌کشد و جنجال درست می‌کند و پایه‌های استقلال و انسجام ملی را سست و حکومت را تضعیف می‌کند و مایه‌ها و بنیادهای ملی و اعتقادی مردم را خراب می‌کند و این کارها خدمت که نیست هیچ بلکه دشمنی با این ملت است و از جنس همان کارهایی است که روزی احمد کسروی هم می‌کرد. سروش نوشته است آیا معقول است گفته شود کسی که نه تنها دسترسی به رسانه‌های گروهی و امکانات این چنینی دیگر ندارد، بلکه مدام از این تریبون‌ها متهم به جاسوسی، بی‌صلاحیتی، خیانت، فراماسونری، آمریکایی، التقاطی، منافق، لیبرال، سلمان رشدی، کسروی، ملکم خان و ... می‌شود، پایه‌های استقلال ملی و اعتقادی مردم را خراب می‌کند و حکومت را تضعیف

عباس امیرانتظام آزاد نشده است

خبر آزادی عباس امیر انتظام از سوی دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل مدافع وی، کمیته دفاع از امیر انتظام در پاریس و دکتر ابراهیم یزدی رهبر نهضت آزادی و همچنین حزب ملت ایران تأیید کرد. هفت روز گذشته اعلام شده بود که مأموران وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی عباس امیر انتظام معان نخواست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت بازگازان را در میدان ۲۵ شهریور تهران رها کرده و به او گفته‌اند که آزاد است و لزومی برای بازگشت به بازداشتگاه ندارد. این خبر در پاریس از سوی عبدالکریم لاهیجی که رسماً از طرف

معاون وزیر بهداشت: برای مقابله با ایدز یک ریال بودجه هم نداریم

حسین ملک‌افضلی، معاون وزیر بهداشت در مصاحبه‌ای اعلام کرد که حتی یک ریال اعتبار برای مقابله با ایدز اختصاص نیافته است. به گفته وی کسانی که باید در زمینه اختصاص بودجه برای مقابله با شیوع ایدز تصمیم بگیرند، معتقدند که این مسئله فعلاً در اولویت نیست. گفتنی است جمهوری است تا ۴-۵ سال پیش ایدز را بیماری جوامع فاسد غرب می‌خواند و «امت اسلام» را از ابتلای به این بیماری مصون می‌دانست. اما با افزایش تعداد بیماران ایدز و مرگ و میر ناشی از این بیماری سرانجام مقامات مسئول از این ادعا دست کشیدند و حاضر شدند که با ذکر آمارهایی، مسئله ایدز در ایران را نیز

«نه»!

در ورای همه کشمکش‌ها و رقابت‌هایی که بین جناح‌های مختلف حکومت، بر سر تصرف سهم هر چه بیشتری از کرسی‌های مجلس پنجم اسلامی در گرفته است، یک تلاش مشترک از سوی همه قدرتمندان رژیم ولایت فقیه دیده می‌شود: سعی در جلوگیری از بی‌روفت ماندن بازار نمایشی که به نام انتخابات به راه خواهند انداخت. هراس سران جمهوری اسلامی از رأی «نه» مردم تحریم‌کننده انتخابات، به حدی است که آنان در تلاش‌اند بسیاری از اختلافات و مبارزات درونی حکومت را موقتاً هم که شده به کنار بگذارند و بار دیگر، نیروهای عمده حاکم را به ائتلاف برای کشاندن شمار هر چه بیشتری از مردم به پای صندوق‌های رأی ترغیب کنند. در هفته‌های اخیر جناح رسالت و طرفداران رفسنجانی، علیرغم همه اختلافات خود، برای معرفی نامزدهای مشترک برای مجلس پنجم به مذاکرات پشت پرده مشغولند و می‌خواهند با چنین اقدامی، انسجام و یکپارچگی حکومت را به نمایش بگذارند. چه این مذاکرات و تلاش‌ها به نتیجه برسد و چه نرسد، چه توافقی بین دو جناح تحقق یابد و چه نیابد، قدر مسلم آن است که کارزار اصلی در انتخاباتی که در پیش است، برای آن است که پاسخ «نه» به دعوت سران حکومت از سوی شمار هر چه گسترده‌تری از مردم مورد استقبال قرار گیرد. کوشش باید این باشد که هر چه حکومت آمارسازی و رأی تراشی کند، باز نتواند بازار نمایش انتخاباتی خود را پررونق جلوه دهد. این به هیچ وجه درست نیست که مردم در انتخابات شرکت نکنند یا نکنند، تأثیری در وضعیت نخواهد داشت. چهار سال پیش، جناح موسوم به خط امام که با شعارهای دفاع از عدالت اجتماعی و مبارزه با آمریکا به میدان انتخابات آمده بود، نتوانست از حمایت مردمی که می‌گفت می‌خواهد از حقوق آنها در برابر ائتلاف رفسنجانی و رسالت دفاع کند، برخوردار شود و بازنده اصلی رأی «نه» به انتخابات شد. ضربه ناشی از این «نه» چنان بود که این جناح را برای مدتی تقریباً از هم پاشاند خط امامی‌ها هنوز نیز نتوانسته‌اند از عوارض آن «نه» خلاص شوند. جناح‌های فعلی حاکم، سرنوشت این جناح را به یاد دارند و بیش از هر چیز، چنین سرنوشتی است که آنها را به بیم و هراس انداخته است. درست به همان دلایلی که سران حکومت برای داغ کردن رأی‌گیری انتخاباتی عطش دارند، باید برای هر چه کمتر کردن شمار کسانی که به هر دلیل - تهدید، اعمال فشار، فتوای مذهبی - به پای صندوق‌ها می‌روند کوشید. جمهوری اسلامی در شرایطی که در عرصه بین‌المللی، به شدت در تنگنا قرار گرفته، نیازمند آن است که به جهانیان القا کند که امکان بر حمایت بخشی از مردم متکی است. نیازهای داخلی جناح‌های حاکم نیز حکم می‌کند که برای تحکیم قدرت خود، بر شمار سپاهی‌لشکر رأی‌دهنده بیافزایند. جناح حاکم روحانیت که امکان از سوی متحدین دیروز و مخالفین داخلی خود نیز مورد انتقاد و اعتراض است به رأی مردم برای نشان دادن مشروعیت خود به این مخالفین، نیاز دارد. روحانیون حاکم به این منظور حتی به ترغیب جناح موسوم به چپ به شرکت در انتخابات متوسل شده‌اند، جناحی که خود قدرتمندان فعلی، آن را با فضاحت از اهرمهای حکومتی دور کردند. اکنون، رسالتیها باز به یاد یاران قدیم خمینی افتاده‌اند و حتی سخن از آن است که عناصری شناخته‌شده از «خط امام» بار دیگر در لیست‌های انتخاباتی جا داده شوند. برخی سخنگویان جناح بقیه در صفحه ۴

فقر و گرانی کمر شکن
حکایتی همیشگی در جمهوری اسلامی

اقتصاد در جمهوری اسلامی، هم کمبودهای اقتصاد برنامه‌ای را دارد و هم بی‌عدالتی اقتصاد بازار آزاد را. در مقابل، در جمهوری اسلامی از مزایای هیچ یک از این دو شکل اقتصاد، خبری نیست. رژیم که بنیانگذارش می‌گفت اقتصاد مال خرد است، چنان پلای بر سر تولید و توزیع در کشور ما آورده که فقر و گرانی کمر شکن، به حکایت همیشگی زندگی مردم در این رژیم تبدیل شده است. هر از چندی، یک کالای اساسی مورد نیاز مردم، ناگهان کمیاب و به شدت گران می‌شود. بعد دولت در یک عمل واکنشی، دست به توزیع محدود می‌زند و در نهایت موفقیت خود، بخش بسیار کوچکی از افزایش قیمت در رسداند. در مورد نان، قیمت رسمی همواره معادل یک سوم تا نصف بهایی است که مردم واقعاً می‌پردازند، چه به بهانه اضافاتی مانند دانه کهنجد و خشخاش (که گاه نان را بدون آنها نمی‌روشنند) و چه از طریق دو اندازه و دو کیفیت کردن نان؛ اندازه و کیفیت رسمی که به معنای باریک‌تر و کوتاه شدن هرچه بیشتر و تحویل نیمه‌خمیر و نیمه‌سوخته‌ای به نام نان به مشتری، و اندازه معمولی که مردم از قبل به آن عادت دارند اما قیمتش دو تا سه برابر بهایی رسمی است.

در سالهای گرانی و فقر، سفره مردم از شماری فزاینده از اجناس، خالی شده است و اکنون می‌رود که نان، این تنها باقی مانده و سرکننده شکمهای گرسنه، قربانی فلاکت اقتصادی بی‌سابقه‌ای شود که گریبان مردم را گرفته است. در حالی که سران جمهوری اسلامی هنوز نیز با وقاحتی کم‌نظیر از پشرفتهای اقتصادی سخن می‌گویند، اکثریت مردم می‌روند تا از نان شب هم محروم شوند.

موج جدید گرانی، بی‌ارتباط با افزایش انرژی بین‌المللی جمهوری اسلامی نیست. حکومت فقها مدعی است تحریم نفتی آمریکا، تأثیری بر درآمدهای ایران نگذاشته است، اما شواهد، از خلاف این ادعا حکایت می‌کند. دولت رفسنجانی هنگام ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۷۵، با صراحتی غیرمعمول، اعلام کرده است این بودجه، بودجه افزایش فشارها به مردم است. در آن سالهایی که می‌گفتند در سال آینده در کار مردم گشایش حاصل خواهد شد و چنین و چنان خواهیم کرد، نتیجه چه بود که اکنون که خود می‌گویند اوضاع سخت‌تر خواهد شد چه باشد. جمهوری اسلامی با حذف شرکت‌های نفتی آمریکایی از لیست مشتری‌های دائمی‌اش، متحمل دشواریهایی در تأمین نیازهای مالی خود شده است. از آنجا که درآمد عادی نفت جمهوری اسلامی تا قبل از تحریم نیز به زحمت کفاف عملی‌ترین نیازهای اقتصادی را می‌داد، کوچکترین وقفه یا کاهش در جریان نفت یا بهای آن کافی است که جمهوری اسلامی را دچار دور جدیدی از بحران مالی کند، بحرانی که هیچ گاه دامن مخارج نظامی و تروریستی حکومت اسلامی را نمی‌گیرد، اما بلافاصله بار آن به دوش مردم منتقل می‌شود.

روز شنبه ۲۹ دیماه، خبری انتشار یافت که حاکی از تشدید باز هم بیشتر تنگنای مالی جمهوری اسلامی در آینده است. دولت عراق پس از سالها که حاضر به پذیرش پیشنهاد سازمان ملل مبنی بر فروش نفت و اختصاص درآمد آن به واردات مواد غذایی و دارو نبود، اکنون گفته است که با این پیشنهاد موافق است. بدین ترتیب، در هر سه ماه معادل یک میلیارد دلار نفت عراق که از پنج سال پیش تاکنون، علناً عرضه نمی‌شد، وارد بازار جهانی نفت خواهد شد. یا باید در اوپک تصمیم بگیرند همه کشورهای ایران، که مانند ایران، در غیاب عراق نفت بیشتری تولید می‌کردند، تولید و فروش خود را کاهش دهند، و یا باید منتظر کاهش بهای نفت بود. در هر دو حالت، درآمد نفتی جمهوری اسلامی کاهش خواهد یافت. و این به معنای افزایش باز هم بیشتر بار فقر و گرانی بر دوش مردم خواهد بود.

گرانی و فقری که دامنگیر مردم ایران شده است، نتیجه مستقیم سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی است و هر چه زمان بیشتر می‌گذرد، این احتمال که با وجود جمهوری اسلامی، در تخفیف این مشکلات مردم، گامی محسوس برداشته شود، ناچیزتر می‌گردد. رشته علت‌ها و معلولها در مجموعه اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور، چنان به هم تنیده است که هرگاه بخواهیم یکی از معلولها را تغییر دهیم، باید کل رشته را از هم بگسلیم. در شرایطی که دیکتاتوری مذهبی در ایران، امان همه و حتی پیرامونی‌های حکومت را بریده و جناح حاکم، مرتجع‌ترین جناح جمهوری اسلامی، برای تشدید استبداد از طریق تسخیر کامل مجلس خیز برداشته است، در شرایطی که تنگ‌نظری ایدئولوژیک ذاتی جمهوری اسلامی، مانع از هر گونه گشایش در سیاست خارجی است، نه امید به رونق اقتصادی و افزایش تولید داخلی می‌رود و نه چشم‌انداز کاستن از فشارهای خارجی وجود دارد. در چنین شرایطی، ابتدای‌ترین خواستهای اقتصادی مردم، یعنی رهایی از فقر و محرومیت بی‌سابقه در تاریخ دهه‌های اخیر ایران، با خواست سیاسی پایان دادن به استبداد مذهبی و نشان دادن مردم‌سالاری به جای جمهوری اسلامی گره می‌خورد.

۲۷ ایراد شرعی و قانونی شورای نگهبان به «قانون مجازات‌های اسلامی»

شورای نگهبان، «قانون مجازات‌های اسلامی» را که توسط مجلس به تصویب رسیده بود، در ۲۵ مورد خلاف شرع و در دو مورد مخالف قانون اساسی تشخیص داد و برای مجلس پس فرستاد. شورای نگهبان در نامه خود به رئیس مجلس، بخش تعزیرات این قانون را مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی اعلام کرد.

از جمله مواردی که شورای نگهبان به آن‌ها ایراد گرفته است، مربوط به مواد ۱۶ و ۱۷ این قانون است که اهانت به خمینی و خامنه‌ای را با اهانت به انبیا یکی دانسته و جرمی برابر برای آن‌ها تعیین کرده است. موارد معین ایراداتی که شورای نگهبان بر مصوبه مجلس گرفته است منتشر نشده است، اما به گزارش برخی روزنامه‌ها، شورای نگهبان در صدد

تعدیل مجازات‌هایی برآمده است که مجلس برای «جرایم» سیاسی و امنیتی در نظر گرفته است. قانون مجازات‌های اسلامی در مهر ماه گذشته در مجلس به تصویب رسید. بخش مهمی از مواد این قانون به تعزیرات‌هایی اختصاص دارد که برای اقدامات سیاسی و «ضد امنیتی» تعیین شده است. این مجازات‌ها مربوط به کسانی است که

طبق این قانون «محارب» نیستند. حتی برخی از محافل وابسته به رژیم نیز تأیید کردند که هدف مجازات‌های این لایحه، مردم عادی و مخالفان داخلی رژیم هستند و این قانون قصد دارد که فشارهای غیر قانونی کنونی را قانونی کند. اصلاحات شورای نگهبان برای تعدیل مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون، به تبلیغات و فضای پیش از انتخابات ربط داده شده است.

تلاش روحانیون حاکم برای جلوگیری از...

دادن به فشارهای تمامی طایفه جریان خاص در جهت اعمال سیاست حذف در تناقض صریح با قانون اساسی می‌دانیم. «سران رژیم از پیامد تشدید اختلافات و واکنش مردم در قبال انتخابات سخت بیناکند و در هفته‌های اخیر نسبت به «تحریم» انتخابات به شدت حساس شده‌اند. آنان تلاش دارند به اشکال مختلف جمعیت بیشتی را پسای صندوقهای رای بکشانند. سخنان خامنه‌ای بیانگر شدت نگرانی رژیم از مبارزه منفی مردم و عدم شرکت آنان در انتخابات است. برای جلوگیری از بر ملا شدن انزوای بیشتر رژیم، «دوراندیشان حکومت» سعی دارند از طریق جلب جناحهای مختلف به شرکت فعال در انتخاب و نمایش وحدت درونی، بر بازار انتخابات رونق بخشند و رژیم را مشروع و باثبات جلوه دهند.

زمان درگیری است. آنان اگر نتوانند در این دوره از انتخابات امکانات تازه‌ای در مجلس کسب کنند، در آینده راه دشواری پیش رو دارند. برخی از سران حکومت رفتار مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را که تلاش می‌کنند در آستانه انتخابات با تکیه بر نارضایتی گسترده مردم از حکومت و تبلیغ آن که انتخابات «آش کشکی» بیش نیست، رقبای سیاسی را عقب نشانند و سهم بیشتری در قدرت کسب کنند، اهانت به نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. محمد جواد لاریجانی نایب رئیس کمیسیون خارجی مجلس ضمن رد انتقاداتی که در مورد عدم آزادی‌ها وجود دارد گفت کسانی که می‌گویند فضای سیاسی کشور برای مشارکت آنها مناسب نیست در واقع به نظام اهانت می‌کنند و کارشان نیز به نوعی باج‌خواهی از نظام محسوب می‌شود. این افراد انجام وظیفه را با باج‌خواهی اشتباه گرفته‌اند و نظام نباید در رابطه با انتخابات به کسی باج بدهد.

کرده‌اند. روغنی زنجانی وزیر سابق برنامه و بودجه، سعیدی‌کیا، عبدالله نوری، معین و... جزو مخالفان ائتلاف با رسالتی‌ها هستند. روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۶ تن از وزرا، معاونان رئیس جمهور و شهردار تهران با صدور بیانیه‌ای خواستار حمایت از کاندیداهای طرفدار رفسنجانی شدند. در این بیانیه رفسنجانی مترادف با مجلس توصیف شده است. سردبیر روزنامه رسالت، مرتضی نبوی، صدور این بیانیه از سوی طرفداران رفسنجانی را اعلام موجودیت حزب جدید از سوی این جناح خواند. صدور بیانیه از سوی هواداران رفسنجانی، واکنش تند و روزنامه رسالت نسبت به آن و مخالفت برخی از اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز با کاندیداهای طرفداران رفسنجانی، احتمال شکست ائتلاف این دو جناح که برای «رسالت» از اهمیت خاصی برخوردار است، را قوت بخشیده است.

نهضت آزادی و جبهه ملی شرکت نمی‌کنند

برخی از گزارش‌های تأیید نشده حکایت از آن دارد که شماری از اعضای نهضت آزادی قصد دارند زیر عنوان «گروه همنام» در انتخابات شرکت کنند. نهضت آزادی ایران با صدور بیانیه‌ای در تهران رسماً اعلام کرده است که برای انتخابات آینده مجلس نامزدی معرفی نمی‌کند. جبهه ملی هفته گذشته با صدور بیانیه‌ای در تهران اعلام کرده که بدون قبول پیش شرط‌های ضرور برای انتخابات آزاد و بدون فرصت مناسب، حاضر به شرکت در انتخابات نیست. بیانیه جبهه ملی، روز پنجشنبه پس از تلفسوی سرگزار کسفرانس مطبوعاتی از سوی وزارت اطلاعات و امنیت رژیم صادر شد. قرار بود این کنفرانس با حضور نمایندگان جبهه ملی و «تلاشگران تأمین آزادی» و خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شود. رژیم با این بهانه که نمی‌تواند امنیت کنفرانس را تأمین کند از برگزاری آن جلوگیری کرد.

تلاش رسالتی‌ها برای جلب هواداران رفسنجانی

جناح رسالت همزمان با تلاش برای ایجاد شکاف در میان چپ مذهبی، سیاست نزدیکی و ائتلاف با هواداران رفسنجانی را پی گرفته است. با همین هدف تاکنون جامعه روحانیت مبارز به رهبری رسالتی‌ها اعلام نهایی اسامی کاندیداهای خود را به تعویق انداخته تا بتواند با طرفداران رفسنجانی بر سر لیست مشترک کاندیداتوری به توافق برسد. اما گروهی از چهره‌های معروف طرفدار رفسنجانی حاضر نشده‌اند در لیست مشترک با رسالت قرار گیرند. به نوشته روزنامه سلام: «جناح راست مدرن - که به ریاست جمهوری نزدیک است - پس از آنکه مصلحت را بر ائتلاف با جناح راست سنتی تشخیص داد از بسیاری از افراد مورد نظر خود محروم شد. در محافل سیاسی گفته می‌شود بسیاری از افرادی که تا پیش از این به عنوان کاندیداهای مجلس پنجم از سوی راست مدرن مطرح بودند، مخالفت خود را با کاندیداتوری اعلام

بقیه از صفحه اول روحانیون مبارز در جهت خودداری از اعلام کاندیدا و از سوی دیگر ایجاد شکاف در این مجمع تلقی کرده و نوشتند: در آن شرایط بعید نبود که در پلاکاردهای تبلیغاتی رسالتی‌ها عنوان: «روحانیت واحد» و «مجمع مرحوم» نیز نقش بندد! روز ۱۶ بهمن، آخرین مهلت برای ثبت نام کاندیداهاست. فعالیت تبلیغاتی کاندیدها از دهم تا شانزدهم اسفند ماه مجاز خواهد بود و انتخابات روز ۱۸ اسفند برگزار خواهد شد. تا پایان روز ۱۶ بهمن مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی فرصت دارند کاندیداهای خود را برای شرکت در انتخابات پنجمین دوره مجلس معرفی کنند. این دو جریان عمده مخالف درون حکومتی در اعتراض به شرایط برگزاری انتخابات، اعمال شورای نگهبان و وزارت کشور، از دادن لیست انتخاباتی در تهران و معرفی کاندیدا امتناع کرده‌اند و توصیه و هشدارهای خامنه‌ای را نیز تا به حال نادیده گرفته‌اند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شرکت در انتخابات را مشروط به مشارکت بقیه گروه‌های همفکر خود کرده است. شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی علمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها و انجمن اسلامی مهندسان نیز تاکنون برای شرکت در انتخابات و معرفی کاندیدا اقدامی نکرده‌اند. دفتر تحکیم وحدت شرکت در انتخابات را به تأمین ۴ شرط مشروط ساخته است. یکی از شرایط دفتر تحکیم وحدت لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات است. در بیانیه این دفتر با اشاره به فقدان آزادی احزاب، نشریات و مطبوعات آمده است: «سیاستی که اثبات صلاحیت افراد را به جای لزوم اثبات عدم صلاحیت آنها ملاک عمل قرار دهد، در واقع خود انتخاب می‌کند و به مردم قیام‌مابانه، تنها اجازه انتخاب افراد مورد تأیید خود را می‌دهد و با بکارگیری سیاست حذف، که مبنای عمل هر جریان تمامیت‌خواه می‌باشد مبنای جمهوری نظام را مورد تهدید قرار می‌دهد... در نظارت استصوابی که اختیارات شورای نگهبان را در تمامی مراحل و سطوح انتخابات مجلس مطلق کرده است، ظاهر قانونی

لاریجانی: مخالفان باج‌خواهی می‌کنند برای جناح چپ مذهبی انتخابات پنجمین دوره مجلس، حساس‌ترین

تیم ترور مستقیماً از تهران به برلین ...

جمهوری اسلامی در جریان یک سخنرانی در دانشگاه تهران گفت: «دادستان کل آلمان می‌تواند هر حرفی بزند، اما مقامات رسمی آلمان آن را قبول نخواهند کرد.» به گفته اتو شیلی، عضو رهبری حزب سوسیال - دموکرات آلمان، اگر معلوم شود که وزارت خارجه در صدد ممانعت از تعقیب فلاحیان برآمده است، مجلس ساکت نخواهد نشست و در این باره از دولت توضیح خواهد خواست. شیلی این را که ولایتی از برخی مباحث و مذاکرات داخلی دولت آلمان بیشتر از نمایندگان مجلس اطلاع دارد، حیرت آور خواند.

بقیه از صفحه اول آلمان کاملاً مسجل است. داده‌های اداره «حفاظت از قانون اساسی» حساسیت‌های زیادی را برانگیخته است. از جمله فاش شده است که وزارت خارجه آلمان تلاش می‌کند دادگاه برلین به نتیجه نرسد. روز ۱۳ دسامبر در وزارت دادگستری آلمان جلسه‌ای با حضور نمایندگان وزارت خارجه برگزار شد. موضوع اصلی این جلسه مسأله قرار تعقیب فلاحیان بوده است. دادستان کل آلمان از جمله می‌خواسته است بداند آیا دولت بن دلایلی برای صرف‌نظر کردن از تعقیب ترور برلین دارد. بر اساس آئین‌نامه،

بقیه از صفحه اول تیم ترور مستقیماً از تهران به برلین ...

برای جلوگیری از وخامت بیشتر مناسبات تهران و دمشق بر ادامه روابط دوستانه تاکید کردند

روابط تهران و دمشق که در پی حمایت سوریه از ادعای ارضی امارات متحده عربی بر جزایر سه گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک تیره شده بود، عادی اعلام شد. ولایتی وزیر امور خارجه، روز سه‌شنبه ۲۶ دی ماه در پایان دیدار دو روزه خود از کویت در یک کنفرانس مطبوعاتی اختلاف میان تهران و دمشق را تأیید کرد و اعلام کرد

که جمهوری اسلامی با سوریه بر سر مذاکرات صلح با اسرائیل اختلاف دارد اما جمهوری اسلامی برادری با سوریه را حفظ می‌کند. وی تأکید کرد میان دو کشور مشترکات فراوانی هست که نقش تعیین‌کننده‌ای در اوضاع منطقه دارند. ولایتی در این گفتگو به حمایت سوریه از بیانیه ۶ کشور عربی منطقه، مصر و سوریه که در آن از ادعای ارضی امارات

پشتیبانی شده است اشاره‌ای نکرد. در پی انتشار بیانیه ۲ + ۶ مناسبات دو کشور تیره شد و سفر حبیبی معاون اول رئیس جمهور به سوریه با درخواست دمشق به تعویق افتاد.

«کار» به آزادی قلم و بیان متعهد است

«کار» سال‌هاست صفحاتی را با عنوان «دیدگاه‌ها» برای درج مقالات با نظرگاه‌های مختلف اختصاص داده است. قصد ما در گشودن این صفحات، فراهم آوردن تریبونی برای ارائه نظرات مختلف در سازمان و جنبش چپ و دموکراتیک و تأمین آزادی بیان برای کسانی بوده است که مانند مواضع سازمان ما و «کار» نمی‌اندیشند. ارزیابی ما و به شهادت نظرخواهی که چندی پیش از سوی «کار» صورت گرفت، بسیاری از خوانندگان ما نیز، آن است که «کار» در این زمینه در مجموع موفق بوده است. تلاش ما همواره این بوده است که مقالات این صفحات را نه بر مبنای دیدگاه و موضع مندرج در آن‌ها، بلکه بر پایه کیفیت‌شان گزین کنیم.

ما هیچ‌گاه، هیچ موضوعی را به عنوان موضوعی «مقدس» که نمی‌توان وارد حریمش شد و به بحث و انتقاد گذاشت، نپذیرفته‌ایم. برای «کار» انتقاد مرز ندارد و صفحات نشریه ما برای طرح، بحث و انتقاد در مورد هر موضوعی گشوده است. با این دیدگاه، «کار» مدافع آزادی بیان و عقیده است و قصد دارد به این دست آورد، که آسان به دست نیامده است، وفادار بماند.

در ماه‌های اخیر در «کار» مقالاتی چاپ شده که چاپ آن‌ها عکس‌العمل منفی برخی از خوانندگان و دوستان ما را برانگیخت و اعتراض‌های نادرستی را موجب شد. «کار» به دشمنی با «یگانه جریان اصیل چپ» و خلیل ملکی، به دفاع از او، به «توده‌ای ستیزی»، به «دفاع از حزب توده»، به توهین به حیثیت ملی ایرانیان و... متهم گشت.

آن‌جا که بحث و گفتگو در مورد مسایل مبرم جامعه، کشور و جنبش ما مطرح و لازم است، حریم کشیدن و تقدس بخشیدن را نمی‌پذیرد و این روش را به نفع شکوفایی نظرها، که ما بیش از هر چیز به آن احتیاج داریم، نمی‌داند. کوشش ما این است تنها آن چه دشنام، تهمت، افترا و تخریب مناسب میان نیروهای سیاسی است، در صفحات نشریه ما جایی نداشته باشد. انتظار ما از خوانندگان «کار» آن است که با چنین نگرشی به صفحات دیدگاه‌های «کار» نگاه کنند.

بار دیگر تأکید می‌کنیم مسئولیت مطالب مندرج در صفحات دیدگاه‌ها با نویسندگان آن و مسئولیت تأمین آزادی قلم و بیان در «کار» بر عهده ماست.

هیئت تحریریه «کار»

سخنرانی سفیر رژیم اسلامی در آلمان لغو شد

● احزاب، سازمان‌ها و جمعیت‌های دموکرات ایرانی مقیم آلمان در محل سخنرانی تظاهرات اعتراضی برگزار کردند

سخنرانی سفیر رژیم اسلامی حاکم بر ایران در آلمان بر هم خورد. بنا بود این سخنرانی روز جمعه ۲۹ دی ماه (۱۹ ژانویه ۱۹۹۶) در شهر دورتموند جمهوری فدرال آلمان انجام شود. موضوع سخنرانی موسویان «ایران امروز» بود. سخنرانی به دعوت سازمان انستیتوی خارجیهای ایالت نورد راین وستفالن آلمان ترتیب داده شده بود.

پس از اعلام خبر برگزاری این سخنرانی، احزاب PDS و سبزها-اتحادیه ۹۰ در شهر دورتموند با صدور اطلاعیه‌هایی دعوت به حضور اعتراضی در محل سخنرانی کردند. همچنین حزب سبزها-اتحادیه ۹۰، طی نامه‌ای سرگشاده از رئیس انستیتوی برگزارکننده خواستند تا سخنرانی را لغو کنند.

گروهی از پناهندگان ایرانی مقیم شهرهای بوخوم، دورتموند و اسن با صدور فراخوانی از همه آزادیخواهان دعوت کردند تا به منظور آکسیونی اعتراضی در محل جلسه موسویان حضور به هم رسانند.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان در واکنش نسبت به خبر این سخنرانی و با حمایت از فراخوان

جمهوری اسلامی و روسیه پیوند استراتژیک؟

رفت و آمدهای سیاسی مقامات دولت روسیه و حکومت اسلامی در هفته‌های اخیر نیز ادامه یافت. در سالهای اخیر، مناسبات جمهوری اسلامی و روسیه به طور چشمگیری در حال گسترش است. مسکو علیرغم فشار آمریکا، همکاری هسته‌ای خود را با تهران ادامه داده است، با حکومت فقها وارد یک سلسله معاملات تسلیحاتی نظیر تحویل زیردریایی شده و در بسیاری موارد، مانند تحریم اقتصادی ایران توسط دولت آمریکا به حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی اقدام کرده است. مقامات عالی‌رتبه سیاسی و دیپلماتیک دو کشور مرتب دیدار می‌کنند. هر چند دیدار بوریس یلستین رئیس جمهور روسیه از تهران، که چند بار اعلام گردیده هنوز انجام نشده است، اما سخن‌گویان دو دولت، هراز چندی از قریب‌الوقوع بودن چنین دیداری سخن می‌گویند.

جمهوری اسلامی انگیزه‌های بسیاری برای آوردن به روسیه دارد. در شرایطی که بیم آن می‌رود شرکای تجاری عمده جمهوری اسلامی در اروپا و خاور دور، زیر فشار واشنگتن ناچار به محدود کردن روابطشان با تهران شوند، در شرایطی که روند صلح خاورمیانه، حکومت فقها را در منطقه هر چه بیشتر منزوی می‌کند، و در حالی که آمریکا چه از طریق حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس، چه با کشاندن حکومت جمهوری آذربایجان به سمت خود، و چه با علم کردن طالبان در افغانستان، حلقه محاصره را به دور جمهوری اسلامی تنگ‌تر کرده است، رژیم اسلامی به دنبال مغزی برای گریز از این محاصره است، و بر این باور است که راه گریز را در شمال می‌یابد. بدین منظور، حکام تهران ناچار به پذیرش حد معینی از ایدئولوژی زدایی در سیاست خارجی خود در این منطقه شده‌اند. هنگامی که اتحاد شوروی فرو پاشید، برخی ناظران گمان می‌کردند اکنون آسیای میانه، به جولانگاه قدرت‌های رقیب تبدیل خواهد شد و در این میان، جمهوری اسلامی نیز با حمایت همه‌جانبه از بنیادگرایان، مرزهای جنوبی روسیه را ناامن خواهد کرد. شواهدی نیز از دخالت‌های تهران در کشورهای جدید همسایه در شمال ایران در دست است، اما این دخالت به هیچ عنوان با حد مداخله و حمایت جمهوری اسلامی از بنیادگرایان لسانی و فلسطینی قابل مقایسه نیست. جمهوری اسلامی از بین مسکو و سمرقند و بخارا، مسکو را برگزیده است. این انتخاب، می‌رود تا در افغانستان نیز عینیت یابد. جمهوری اسلامی در قبال همسایه شرقی ایران، سیاستی را در پیش گرفته است که اگر هم با اهداف مسکو چندان خوانایی ندارد، اما حداقل در تقابل با آن نیز نیست. حکومت اسلامی حتی حاضر است در افغانستان، شیعیان هزاره را نیز قربانی سیاستی کند که هدف آن در درجه اول، شکستن محاصره آمریکایی - وهابی است، سیاستی که در راستای منافع مسکو نیز قرار می‌گیرد.

در مسکو نیز روی روابط با تهران، حساب‌های خاصی باز کرده‌اند. روسیه هنوز خود را چنان می‌شناسد که به محض رهایی از ضعف و فقرت و مشکلات انبوهی که آن را از پای انداخته، می‌تواند چون یک ابر قدرت قد برافرازد. برای غولی افتاده که قصد برخاستن دارد، جای پای محکمی مورد نیاز است و ایران می‌تواند این جای پای محکم باشد. ایران هم در منطقه‌ای استراتژیک قرار دارد، هم به نوبه خود کشور بزرگی است، هم نفت و لاجرم دلار، چیزی که روسیه بیش از هر چیز به آن محتاج است، دارد و هم برای مقابله با آمریکا، پناه گاهی می‌جوید. روسیه نیز به نوبه خود از نوعی محاصره بیمناک است. غرب، کمربند ایمنی روسیه در اروپای شرقی را گسسته است. متحدان پیشین شوروی در پیمان ورشو، می‌خواهند هر چه زودتر به ناتو بپیوندند. دیوار برلین، اینک هزار کیلومتر به شرق کشانده شده است. کنسرن‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی بر نفت پاکو چنگ انداخته‌اند. حتی گاز قزاقستان در قلب قلمرو سابق مسکو نیز از دستبرد غرب در امان نیست. به چین نمی‌توان اعتماد کرد. شاید آخرین و مؤثرترین ضربه‌ای که به دوران ماه عمل حکومت یلستین با غرب خاتمه داد، بازنده از کار درآمدن برگ برنده صرب‌ها در بالکان بود. آمریکا کار را به جایی کشاند که همه - و در ظاهر حتی صربستان - از او خواستند مرحمت کند و تفنگدارانش را به بوسنی بفرستد. محاصره روسیه از جناح جنوب غربی نیز تکمیل شد.

بر زمینه این صفحه شطرنج استراتژیک، پیوند روسیه و جمهوری اسلامی، تلاش مشترک دو قدرت بسیار متمایز و متفاوت از یکدیگر برای مقاصد متفاوت و متمایز از یکدیگر است. پس آیا باید روی این اتحاد، حسابی درازمدت باز کرد و انتظار باز هم نزدیک تر شدن تهران و مسکو را داشت؟ فعلاً همه چیز در همین راستا عمل می‌کند، مگر آنکه عوامل بوجود آورنده این پیوند، خود دچار تغییر گردند. چنین تغییراتی ممکن است در صحنه سیاسی روسیه، ایران و یا در پیرامون دو کشور به وقوع بپیوندد. اگر روسیه بتواند در آذربایجان و آسیای میانه تغییراتی به سود خود ایجاد نماید، شاید از اهمیتی که به پیوند با جمهوری اسلامی به مثابه رانده شده و جذامی جامعه بین‌المللی می‌دهد، کم کند. و یا اگر معاملاتی در مورد خاورمیانه بین آمریکا و روسیه صورت گیرد و دست روسیه در قلمرو شوروی سابق بازتر شود، چه بسا مسکو خواست مبرم واشنگتن در مورد قطع همکاری هسته‌ای با تهران را جدی تر مورد بررسی قرار دهد.

حمله به کانون پژوهش فرهنگ ایران در سوئد

و غیره همه نشان می‌دهد که پلیس جمهوری اسلامی با همان شدت پیشین مشغول شناسایی و آماج قرار دادن مهاجرین آزادیخواه است و هرگاه که بتواند ضربت خود را وارد می‌کند.

سوی کسانی که به ایران مسافرت می‌کنند و بسیاری از آنها در فرودگاه‌ها یا در بازداشتگاه‌های موقت و غیره مورد بازجویی قرار می‌گیرند، نوع و هدف این بازجویی‌ها

برابر اخبار رسیده از سوئد، شب دوازدهم ژانویه (۲۲ دی)، گروهی به ساختمان مقر «کانون پژوهش فرهنگ ایران» در شهر گوتنبرگ حمله کرده، پنجره‌ها را شکسته، کمد‌ها را خرد کرده و همه چیز را به هم ریخته‌اند. عاملین، برخلاف معمول به دنبال اموال و اشیاء قیمتی نبوده‌اند بلکه هدف دیگری را دنبال می‌کردند. با اینکه آنها مقر کانون را به هم ریخته و در طول شب همه چیز را ورق به ورق واریسی کرده‌اند اما دستگاه‌های قیمتی کانون، مانند تلفن، فاکس، کامپیوتر، دستگاه چاپ و سایر چیزهای که مورد علاقه سارقین معمولی است نبوده نشده و باقی است. در عوض مدارک، اسناد، عکسها، لیست اسامی مراجعین، دیسکتهای کامپیوتر و دیگر چیزهای مشابه نبوده شده‌اند. چگونگی این اقدام آشکارا نشان می‌دهد که عاملین، از سوی جمهوری اسلامی مأمور شده‌اند و قصد آنها بدست آوردن اسناد و مدارک و شناسایی افراد و ایجاد ارباب در میان مردم بوده است. کارشناسانی که این اقدام را بررسی می‌کنند بر انگیزه‌های فوق و نقشهای احتمالی دیگری از سوی رژیم دست می‌گذارند. تلفنهای ناشناسی که از چند ماه پیش به خانه‌های مهاجرین مقیم سوئد می‌شود و تهدیدهایی که گاه از این طریق صورت می‌گیرد و دولت سوئد نیز کمابیش در جریان آن است، موید همین مقاصد حکومت ایران است. از ایران به افراد تلفن می‌شود و گاه این تلفن‌کنندگان که افراد کمیته

سرما بردشواری تهیه سوخت افزود



همراه با برف و سرمای شدیدی که بسیاری از مناطق ایران را فراگرفت، بار دیگر مسأله سوخت نیز بر مشکلات مردم افزوده شد. صف‌های طولیل خرید نفت، مشت سران رژیم را باز کرد که وعده می‌دادند: اسامال مشکل سوخت نخواهیم داشت. نه تنها تهیه نفت با دشواری‌های زیاد مواجه بود، بلکه در برخی از شهرهای بزرگ گاز لوله کشی نیز قطع شد. همزمان با هجوم برف و بوران، گاز مایع که پیش از آن کمیاب بود، کمیاب‌تر شد. این هموطن اهوازی با به دست آوردن یک کپسول گاز، موفقیت بزرگی کسب کرده است!

بیست و پنجمین سالگرد بنیانگذاری
جنبش فدائیان خلق ایران
راگرامی بداریم!
زمان: شنبه ۱۷ فوریه، ساعت ۷ بعداز ظهر
مکان: استکهلم، تنستا Tensta tråFF
فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد

یک چهارم قرن
بیکار فدائیان خلق ایران
در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم
راگرامی بداریم
ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش فدایی
اسناد، قطعنامه‌ها، قرارها و پیام‌های
چهار کنگره
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۳۶۹ - ۱۳۷۴
به زودی منتشر می‌شود

بازداشت‌های تازه در کردستان

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج کشور، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام داشت که از اوایل سال ۱۹۹۶ تاکنون ده‌ها نفر از مردم بی‌دفاع شهر پاوه، توسط نیروهای امنیتی رژیم دستگیر و روانه زندان شده‌اند. به گفته این حزب، موج اعدام و دستگیری در

سراسر کردستان رو به گسترش است. در اطلاعیه حزب دموکرات، اسامی ۶ نفر از دستگیر شدگان اخیر شهرستان پاوه جهانگیر حاتمی، صبور خانی، برزان درودگر، نورالدین لطفی، محسن احمدی و خاصه احمدی اعلام شده است.

صبور خانی بر اثر شدت شکنجه به بیمارستان منتقل شده و حال وی وخیم گزارش شده است. این اطلاعیه حاکی است اموال کسانی که از ترس تعقیب و دستگیری از خانه و شهر خود فرار کرده‌اند، توسط مامورین رژیم مصادره شده است.

خبرهای کوتاه

اعتصاب نامه‌رسانان تهران

بیش از یکصد نفر از نامه‌رسانان منطقه ۱۳ پستی تهران در اعتراض به شرایط نامناسب کار، چندی پیش دست از کار کشیدند. اعتصاب از آن رو رخ داد که شرکت پست برخلاف مقررات از اعطای یک دستگاه موتورسیکلت به هر نامه‌رسان که باید هر ۴ سال یکبار صورت پذیرد، امتناع کرد.

آلودگی ۸۰ درصد بیمارستانهای دولتی

مهندس یازوکی مشاور معاونت بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در امور بهداشت محیط اعلام کرد که ۸۰ درصد بیمارستان‌های دولتی به علت نداشتن بودجه کافی، توانایی رعایت کامل مسائل بهداشتی در محیط بیمارستان را ندارند. در حالیکه ۸۰ درصد بیمارستان‌های خصوصی، تذکرات بهداشتی توصیه شده توسط این وزارتخانه را بکار بسته و مراعات می‌کنند.

رژیم مبارزه با ایدز را جدی نمی‌گیرد

دکتر آزموه مدیرکل مبارزه با بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اظهار داشت که به رغم پیشنهادهای مکرر این وزارتخانه، سازمان برنامه و بودجه هیچ اعتبار مستقلی برای درمان این بیماری اختصاص ندهاده است. این در حالی است که شواهد متعدد نشان می‌دهد که میزان شیوع به بیماری ایدز در ایران به مراتب بیشتر از ارقام ارائه شده توسط مقامات می‌باشد و این بیماری به یکی از معضلات جدی جامعه تبدیل می‌شود.

سرب، خطرناکترین آلوده کننده هوای تهران

علیرضا مرتدی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به دنبال آلودگی بی‌سابقه‌ی هوای تهران از مردم خواست با یک «عزم ملی» در رفع آلودگی هوای تهران بکوشند. وی فاش ساخت سرب معلق در هوای تهران که ۷۰ درصد آن ناشی از دود اتومبیل‌هاست، روی دستگاه عصبی کودکان تأثیر فراوان داشته، ضریب هوشی آنان را پایین می‌آورد.

دومین جلسه دادگاه نشریه گردون

روز دوشنبه ۱۸ دی‌ماه، دومین جلسه‌ی دادگاه آقای عباس معروفی مدیر مسئول نشریه‌ی گردون با حضور ۹ نفر از اعضای هیئت منصفه‌ی مطبوعات برگزار شد. فیروز اصلانی به نمایندگی ستاد انصار حزب‌الله تهران و مهدی نصیری مدیر مسئول هفته‌نامه‌ی صبح و مدیر مسئول سابق روزنامه‌ی کیهان به عنوان شاکی در جلسه‌ی دادگاه حضور یافتند. آنان عباس معروفی را به نشر مطالب «مستهجن»، «مباحبه‌ی افراد ضدانقلاب» و چاپ مطالبی که «مروج فساد و فحشا» می‌باشد متهم کرده‌اند.

اعلام تاریخ مرحله دوم انتخابات مجلس

علی تابش معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور جمهوری اسلامی اظهار داشت در نقاطی که انتخابات به دور دوم کشیده شود، مرحله دوم انتخابات در روز ۳۰ فروردین ماه سال ۱۳۷۵ برگزار خواهد شد.

آغاز تحصیلات از ۵ سالگی

ملکی مدیرکل آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که در راستای طرح تغییر نظام آموزش ابتدایی، قرار است از سال آینده تحصیلات رسمی کشور از سن ۵ سالگی و با تحت پوشش قرار دادن این گروه سنی در دوره‌های آمادگی به اجرا درآید. وی اظهار داشت که همچنین قرار است درس‌های تاریخ، مدنی و تعلیمات اجتماعی از آموزش دوره‌ی ابتدایی حذف و واحد درسی جدیدی با عنوان مطالعات اجتماعی جایگزین آن شود.

ایجاد فرودگاه برای کلیه مراکز استانها

مهندس عبدالله محمد هاشم معاون وزیر راه جمهوری اسلامی در امور ساخت و توسعه‌ی بنادر و فرودگاه‌ها اعلام کرد که تا پایان سال ۱۳۷۵ تمامی مراکز استان‌های کشور دارای فرودگاه خواهند شد. او گفت که در حال حاضر ۴۳ فرودگاه در شهرهای مختلف کشور در حال فعالیت هستند و تا پایان سال آینده ۶ فرودگاه در شهرهای زنجان، ایلام، اردبیل، شهرکرد، یاسوج و اراک مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

افزایش ۱۲ درصدی شهریه دانشگاه پیام نور

دکتر عسکریان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور اعلام کرد که میزان شهریه‌ی دانشجویان این دانشگاه در سال جاری ۱۲ درصد افزایش یافته است. تعداد مراکز دانشگاه پیام نور در حال حاضر ۱۲۰ عدد است و جمعاً دارای ۱۲۰ هزار دانشجو می‌باشد. قرار است سال آینده حدود ۳۰ هزار دانشجوی جدید به این دانشگاه پذیرفته شوند.

ضایعات ۶۰ درصدی محصولات کشاورزی

مهندس همایون ذوالریاستین مدیر صنایع بسته‌بندی سلولزی مؤسسه‌ی استاندارد و تحقیقات صنعتی در گردنه‌ی اخیر مسئولان کشاورزی در بندر عباس اعلام کرد که براساس آمار سازمان خواربار جهانی، ضایعات محصولات کشاورزی تولیدی ایران ۴۰ درصد می‌باشد. وی بی‌توجهی به شیوه‌های درست بسته‌بندی را از مهمترین عوامل ضایعات عظیم فرآورده‌های کشاورزی ایران دانست.

تشکیل کانون چاپ آثار بیژن جزنی

اطلاعی در باره زندگی و آثار منتشر شده و منتشر نشده او دارند را، در اختیار کانون فوق بگذارند. این کانون همچنین اعلام کرده است کسانی که مایل به کمک‌های مالی و یا هر گونه کمک دیگری از جمله تایپ، چاپ و توزیع مجموعه آثار جزنی هستند، با کانون تماس بگیرند.

نشانی کانون در اروپا:
Postlagerkarte
Nr. 157351 E
6001 Frankfurt am Main
Germany
شماره حساب بانکی:
J.C.
Account No.
05289-05565
Bank of America
Reseda, CA 91335, USA

به گزارش نشریه اتحاد کار، بیست سال پس از تیرور رفیق بیژن جزنی، کانون گردآوری و تجدید چاپ آثار بیژن جزنی تشکیل شده است. تشکیل‌دهندگان این کانون عبارتند از بابا علی، مهین جزنی، حیدر، ناصر مهاجر و پرویز نویدی. این کانون برای گردآوری تمامی آثار جزنی و تدقیق اطلاعات مربوط به آن‌ها، از دست اندرکاران و پشتیبانان جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران دعوت به همکاری کرده است. کانون فوق در صدد است جنگی در باره بیژن جزنی و آراء و برداشت‌های موجود در باره او انتشار دهد. در اطلاعیه کانون از دوستان بیژن جزنی و پای‌بندان به پاسداری از سنت‌های اصیل جنبش چپ ایران خواسته شده است هر

کنفرانس پیرامون گذار از نظام ولایت فقیه به نظام مردم‌سالاری

سازمان در این کنفرانس شرکت خواهد کرد. برخی از شرکت‌کنندگان دیگر این کنفرانس عبارتند از دکتر محمد برقی، نویسنده و پژوهشگر، عفت داداش‌پور، روزنامه‌نگار و نویسنده؛ دکتر منصور فرهنگ، استاد علوم سیاسی دانشگاه برینگتون در آمریکا؛ دکتر رضا قریشی، اقتصاددان و استاد دانشگاه استاکون کالج در آمریکا؛ علی کشتگر، از ماهنامه مهین؛ دکتر مرتضی محیط، پژوهشگر و نویسنده؛ دکتر مهرداد مشایخی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه جورج‌تاون آمریکا و امیر مصدق کاتوزیان، از سازمان جمهوریخواهان ملی ایران.

از سوی کانون دفاع از دموکراسی در ایران در شهر نیویورک ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۱۷ و ۱۸ فوریه سال جاری کنفرانس پیرامون شرایط گذار از نظام ولایت فقیه به نظام مردم‌سالاری برگزار می‌شود. در این کنفرانس نمایندگان از احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف، از نشریات و رسانه‌های گروهی و نیز برخی از استادان دانشگاهی و شخصیت‌های منفرد سیاسی، ادبی و هنری شرکت خواهند کرد. از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق فریدون احمدی، عضو شورای مرکزی

برف و سرما ایران را فراگرفت



در هفته‌های اخیر برف و سرمای بی‌سابقه ایران را غافلگیر کرد. به گزارش روزنامه‌های تهران، ۹ نفر بر اثر سرما و یخبندان جان خود را از دست دادند. میلیون‌ها دلار خسارت بر جای ماند و ۲۴ استان کشور آسیب دید. عکس تهران را که از برف سیدپوش شده، نشان می‌دهد. بارش برف چنان بود که جلسه مجلس شورای اسلامی را نیز تعطیل کرد!

پایان ضبط ویدئویی

مجموعه نخست «تاریخ شفاهی چپ ایران»

مجموعه CD-ROM انتشار خواهد یافت. از ابتدای سال جاری میلادی تهیه مجموعه دوم تاریخ شفاهی چپ ایران آغاز شده است. در این مرحله با ۵۰ شخصیت سیاسی پیشین و کنونی چپ ایران از سه نسل (بین ۲۳ تا ۹۲ سال) از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۴ گفتگو خواهد شد. مصاحبه‌شوندگان مجموعه نخست و دوم به ۳۰ شکل سیاسی چپ تعلق دارند. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاع بیشتر در مورد این مجموعه با آدرس زیر تماس بگیرند:
H. Ahmadi, C/O Mosavi
Senftenberger Ring 16
13439 Berlin
Germany

۱۹ ماه پس از طرح‌ریزی اولیه تنظیم تاریخ شفاهی چپ و ۱۸ ماه پس از آغاز آن، ضبط و تنظیم مجموعه نخست «تاریخ شفاهی چپ ایران» به پایان رسید. این مجموعه شامل ۲۴۲ ساعت فیلم ویدئویی از ۲۸ شخصیت و کادر سیاسی جنبش چپ ایران از دهه ۱۳۰۰ تا دهه ۱۳۷۰ می‌باشد. راویان، متعلق به چهار دوره از تاریخ چپ ایران و بین آنها میان ۲۷ تا ۹۲ سال است. آنها از فعالین ۱۵ جریان سیاسی چپ دوره‌های مختلف‌اند. آقای حمید احمدی، مدیر طرح تاریخ شفاهی چپ ایران، دست‌اندر کار پیاده کردن بخشی از نوارهای مجموعه اول این تاریخ است. مجموعه اول که شامل حدود ۶۰۰۰ صفحه می‌باشد، در یک

اعلام موجودیت

کمیته دانمارکی

دفاع از حقوق مردم ایران

کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران (DKIR) اعلام موجودیت کرد. کمیته، متشکل از دانمارکی‌ها و ایرانیانی است که علاقه‌مند به مسائل ایران و نگران نقض حقوق بشر در کشور ما می‌باشند. مبنای فکری کمیته، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در اطلاعیه اعلام موجودیت کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران آمده است، این کمیته تلاش خواهد داشت صدای حق‌طلبانه ایرانیان را به گوش جهانیان برساند. از اهداف دیگر این کمیته کوشش در راه ارتباط با کمیته‌های مشابه در کشورهای دیگر اروپا خواهد بود. کمیته دارای ارگانی به نام پرواک است که فعلاً به صورت فصلنامه انتشار خواهد یافت. آدرس کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران چنین است:
Post Box 614
2200 København N
Danmark

«نه»!

بقیه از صفحه اول
موسوم به چپ‌که رابطه نزدیک‌تری با سران حکومت دارند، با این تبلیغات روحانیون حاکم هم‌صدایی می‌کنند که عدم شرکت در انتخابات به معنای انفعال است و شرکت در انتخابات را «مشارکت در سرنوشت کشور» معرفی می‌کنند تا بلکه سرخوردگان از حکومت را نیز بار دیگر به رأی دادن وا دارند. این دروغ است. مشارکت در این انتخابات تنها به کار مشروعبیت دادن به حکومت اسلامی می‌آید و رای مردم تأثیری در جهت‌گیری‌های اساسی رژیم نخواهد داشت. خودداری از شرکت در انتخابات، سیاست انفعالی نیست، سیاست اعتراضی است. اعتراض به عدم وجود دموکراسی، آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و همه آزادی‌های اساسی. در این کارزار، سیاست یک پارچه نیروهای مخالف و به ویژه هواداران دموکراسی اهمیت فراوان دارد و سران رژیم با درک این موضوع در پی ایجاد شکاف بین نیروهای اپوزیسیون هستند. حکومت فقه‌پاکه حاضر به هیچ‌گونه عقب‌نشینی از سیاست‌های ضددموکراتیک و استبدادی خود نیست و از قول مقامات انتخاباتی‌اش بارها گفته است که صافی شورای نگهبان، این بار نیز با همان سختگیری چهارده سال اخیر عمل خواهد کرد، می‌کوشد به گونه‌ای عمل کند و حرف بزند که جای امیدواری باقی بماند و نیروهای دگراندیش در داخل کشور را حداقل از پیوستن به نیروی فعال تحریم، باز دارد. اما این رژیم چنان ضد دموکرات و چنان انحصارگر است که امکانات بسیار محدودی برای پیش‌برد چنین سیاست‌هایی دارد. ما امیدواریم نیروهای اپوزیسیون و پیشاپیش همه، احزاب و سازمان‌های ملی و دموکرات، با صدایی واحد و رسا به نمایش انتخاباتی رژیم «نه» بگویند. این امیدواری با توجه به همصدایی کم‌سابقه نیروهای اپوزیسیون در دعوت مردم به تحریم انتخابات، یک امید واقعی است.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند:

ماهیت بودجه سال ۷۵ تورم‌زاست

باید توجه شود که این هزینه‌ها خالصاً تورم‌زا هستند. وی افزود: متأسفانه سهم درآمد مالیاتی از کل درآمد دولت از ۴۰ درصد در سال ۷۴ و ۳۸ درصد در سال ۷۵ به ۱۹/۶ درصد در سال ۷۵ کاهش پیدا کرده است و مهم‌تر آنکه تنها ۲۰ درصد از کل درآمد مالیاتی از بخش‌های وابسته به داخل گرفته می‌شود و ۸۰ درصد بقیه مالیات‌هایی است که از واردات کالاها و بخش‌های وابسته به نفت و خارج از کشور گرفته می‌شود.

دکتر ابراهیم رزاقی یکی از کارشناسان اقتصاد جمهوری اسلامی در آخرین جلسه ماهانه کانون فارغ‌التحصیلان اقتصاد، نادرستی ادعاهای سران رژیم درباره اثرات ضد تورمی بودجه سال ۷۵ را روشن ساخت. وی اظهار داشت که حدود ۶۰ درصد هزینه‌های بودجه در بخش خدمات است و اگر بخش‌های خدماتی اختلال ایجاد کنند کل اقتصاد را زیر سؤال می‌برند. بنابراین بخش‌های خدماتی را باید تا جایی گسترش داد که اقتصاد را مختل نکنند و به این نکته

رزاقی در ادامه گفت: سهم نفت از درآمدهای دولت بطور مستقیم و غیرمستقیم حدود ۸۰ درصد است و بنابراین جایگاه صنعت نفت در درآمدهای دولت در بدترین وضع ممکن قرار گرفته است و دولت کاری را که در اقتصاد ایران در ۷۰ سال گذشته انجام شده است، ادامه می‌دهد و هنوز به طرف صاحبان درآمد نرفته‌ایم. وی افزود: چه ضابطه‌های وجود داشته است که بودجه کل کشور نسبت به سال ۷۴ حدود ۴۳/۸ درصد افزایش پیدا کرده است چون طبق آمار رسمی

سر نوشت و ام ۱/۸ میلیارد دلاری

سر نوشت دریافت یک وام ۱/۸ میلیارد دلاری از آلمان، که در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تهران از سوی مقامات ایرانی درخواست شده بود، همچنان نامعلوم است. با اینکه نشریه «مید» در شماره اخیر خود پرداخت وام به ایران را تأیید کرده است، کارشناسان بانکی ایران می‌گویند هنوز هیچ تصمیم قطعی از سوی مقامات آلمانی در این مورد گرفته نشده است. به گفته این کارشناسان، شرکت آلمانی بیمه هرمس که مسئول تضمین وام است، پرداخت آنرا منوط به گزارش بانک جهانی در مورد برنامه دوم پنج ساله ایران کرده است و از آنجا که بانک جهانی نیز گزارش مطلوبی در این باره ارائه نکرده است، بعید به نظر می‌رسد که وام مورد نظر در اختیار ایران قرار گیرد.

از سوی هرمس که یک شرکت وابسته به دولت است، نمی‌تواند بدون موافقت مقامات آلمانی چنین درخواست‌هایی را بپذیرد و با وجود اختلاف نظرهای تازه دولت مردان آلمانی بر سر ایران و با توجه به اینکه به تازگی هرمس ۱۵۰ میلیون دلار سقف بیمه‌ای را که اخیراً به ایران اختصاص داده شد پوشش داده است، پرداخت چنین مبلغی دور از انتظار است.

یک شرکت سوئیسی

سهامدار اصلی نورد آلومینیوم

بخش بزرگی از سهام شرکت نورد آلومینیوم به وسیله شرکت سوئیسی «بال مینس کامرس آگ» خریداری شد. این شرکت که در زوریخ به ثبت رسیده است، برای هر سهم ۳۴۸۰ ریال پرداخته است.

یک مقام مطلع در نورد آلومینیوم گفته است میزان سهام فروخته شده به بیش از ۵۰ درصد کل سهام بالغ می‌شود.

این نخستین بار است که یک شرکت خارجی مستقیماً وارد معامله بورس در ایران می‌شود. تاکنون چنین رسم بوده است که شرکت‌های ایرانی که شریک خارجی دارند، با نام خود، از بورس سهام خریداری می‌کردند. گفته شده است که کارگزار این معامله شرکت بورس ایران بوده است.

این ششمین باری است که نورد آلومینیوم در سطح کلان دست به دست می‌شود. این کارخانه در سال ۱۳۵۱ به وسیله هاشم نراقی، سرمایه‌دار ایرانی مقیم امریکا، پایه‌ریزی شد و سپس به خانواده هوسپیان، یکی از سرمایه‌داران ایرانی، فروخته شد. در ۱۳۷۱ پس از ۱۷ سال اعمال مدیریت دولتی بر این کارخانه، ۶۷ درصد سهام آن به علی‌اکبر مهدوی - شرکت ورالکو - فروخته شد. ارزش هر سهم فروخته شده ۶۵۰۰ ریال بوده که در آن زمان نیز اعتراض‌هایی را در پی داشت. در همان سال شرکت سرمایه‌گذاری بنیاد مستضعفان و حسین علاقی، کارخانه‌دار ایرانی، سهام نورد آلومینیوم را خریداری کردند.

با توجه به اختلاف نظری که در میان مسئولان رژیم بر سر اصل ۸۱ قانون اساسی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد، و لایحه‌ای که به همین منظور تهیه شده و در کمیسیون‌های مختلف مجلس در گردش است، خرید عمده سهام یک شرکت ایرانی به وسیله یک شرکت خارجی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

کمیسیون بررسی آثار الحاق ایران

پیوستن به گات را توصیه می‌کند

بنا به پاره‌های خبرها، کمیسیون ویژه‌ای که از حدود یکسال و نیم پیش برای بررسی آثار و عواقب پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (سابقاً گات) تشکیل شده بود، نظر مثبت خود را نسبت به الحاق ایران به این سازمان جهانی اعلام کرده است. اکثر مسئولان و دستگاه‌های دولتی با عضویت ایران در گات موافق‌اند. بحث تنها بر سر چگونگی عضویت و شناخت راه‌های کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از اجرای مقررات گات می‌باشد.

گات با تکیه بر مزیت نسبی کشورهای عضو، سعی می‌کند هر کشور به تولید کالاها و خدماتی بپردازد که در تولید آنها از مزیت نسبی برخوردار است. تکیه بر مزیت نسبی، در واقع به معنای تقسیم کار بین‌المللی کار می‌باشد. کشور ما با توجه به بافت نیمه سنتی صادراتش، نداشتن تشکیلات اداری مناسب با فعالیت‌های صادراتی، سیطره تجار و دلالان بر آن و وجود تمایلات شدید وارداتی، ضعف‌های عمده در تولید محصولات صنعتی، مشکلات و تنگناهای ارزی و سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری غیر بهینه از منابع و ذخایر موجود و ضعف مفرط در سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی، با عضویت در گات آینده‌های بسیار تاریک در پیش خواهد داشت. مضافاً اینکه الگوی نامناسب حاکم بر بازار مصرف داخلی و پایین بودن کیفیت تولیدات داخلی که در بسیاری موارد قادر به کسب استانداردهای ملی نیز نمی‌باشند، موجب می‌گردد که بازار داخلی را نیز از دست بدهیم. با عضویت در گات، قطعی است که زمینه‌های تولیدی کاهش یابد و اندک نیرو و سرمایه موجود در آن نیز به سوی واسطه‌گری و دلالتی کشیده شود و تورم و بیکاری، بیش از پیش افزایش یابد.

اجرای طرح‌های تولیدی و عمرانی

متوقف مانده است

در خبرها آمده بود که مدیریت جدید سازمان برنامه و بودجه، به علت کمبود منابع مالی برای پیشبرد طرح‌های تولیدی و عمرانی، اجرای آنها را موقتاً متوقف ساخته است. سخنگوی دولت چندی پیش اعلام کرد که دولت در حال حاضر انتشار اوراق مشارکت را به عنوان ابزاری جهت جمع‌آوری نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش‌های تولیدی، مد نظر قرار داده است.

در بسیاری از کشورها، از اوراق بهادار برای تأمین منابع مالی پروژه‌های عمرانی و صنعتی، استفاده‌های مؤثری می‌شود. در ایران پس از انقلاب از سوی مسئولان رژیم، این امر روبرو شناخته شد و انتشار اوراق بهادار متوقف گردید. این کار ضربه بزرگی بر نظام پولی کشور وارد ساخت و مسئولان دولتی را وادار ساخت که برای تأمین منابع مالی به سیستم استقراض بانکی روی آورند. انتشار اوراق مشارکت که در یکی دو سال اخیر از سوی دولت باب شده، جایگزینی برای سیستم انتشار اوراق بهادار است.

از این اقدام دولت تاکنون استقبال قابل توجهی نشده است و گویا دولت بانکها را وادار به خرید این اوراق مشارکت‌ها می‌کند که خود دولتی‌اند. در این صورت، نه تنها کاری صورت نگرفته، که یک دور باطل پیموده شده، به اضافه اینکه هزینه‌های چاپ و انتشار این نیز روی دست دولت باقی مانده است.

نظرها در باره اقتصاد ایران

«چنانکه می‌دانیم، دوران وفور سرمایه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به سرآمده و جهان اکنون با کمبود سرمایه و در نتیجه نرخهای بالای سود وام‌های اعطایی توسط دولت‌های غربی و مؤسسات اعتباری، مواجه است. از طرف دیگر، با قیمت‌های فعلی نفت خام و با پیش‌بینی‌های به عمل آمده تا سال ۲۰۰۰، نرخ سود بازگشت سرمایه نیز در صنعت نفت پایین است. در حال حاضر، صنعت جهانی نفت، شاهد گریز سرمایه از این صنعت است و از رقابت سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در قلمرو ایران که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به اوج خود رسیده بود، خبری نیست.

صنعت نفت ایران در مقام چهارمین شرکت نفتی بزرگ جهان، دارای ۷۰ تا ۷۵ میلیارد دلار سرمایه ثابت است و با توجه به استانداردهای بین‌المللی، حفظ و اداره امور عادی چنین بنگاه اقتصادی و صنعتی عظیمی نیازمند ۱۰ تا ۱۰ درصد سرمایه ثابت است. یعنی هزینه‌های حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار در سال که نزدیک به نیمی از کل درآمد نفتی کشور را شامل می‌شود.» (دکتر فریدون برکشلی، پیام امروز، شماره ۷)

ایران با صدور دو میلیون و پانصد هزار بشکه نفت در روز، بعد از عربستان، در اوپک مقام دوم را به خود اختصاص داده است. افزایش مصرف داخلی، به موازات تقاضاهای فزاینده بازارهای جهانی از طرفی و فقدان تأسیسات لازم برای افزایش استخراج و تولید نفت، شرکت ملی نفت ایران را با موقعیت دشواری مواجه کرده است. اگر ایران نتواند به تقاضاهای بازارهای جهانی پاسخ بدهد، آرام آرام از صحنه رقابت حذف خواهد شد. در حال حاضر، برخلاف ایران عملیات اجرایی برای صدور نفت در کشورهای دیگر، بسیار ارزان تمام می‌شود. این امر، نوساناتی را در بازار نفت ایران به همراه خواهد داشت. برای دولت درآمد نفت اساساً رضایت‌بخش نیست. درآمد نفت، از سال ۹۰ تا ۹۳، از ۱۷/۳ میلیارد دلار به کمتر از ۱۵ میلیارد دلار رسید، در حالی که، تنها راه پاسخ به معضلات اقتصادی ناشی از انفجار جمعیت، توسعه مبادلات خارجی از طریق افزایش عواید نفت است.» (کیت مک لاجان - آسین افیرز، فوریه ۱۹۹۵)

«مقامات بانک مرکزی آمدند سیاستی را به خرج دادند. به عنوان تزییق به بازار برای پایین نگه‌داشتن قیمت ارز. این تزییق را با مقدار کم شروع کردند تا متأسفانه به سقف سالانه ۳ میلیارد دلار رسید. یعنی این مبلغ را روانه بازار قساقاق ارز در خیابان اسلامیول و فرودوسی کردند. بعد به تجربه در یافتند راهگشا نیست

● عمید نائینی: کمتر نظامی را در جهان می‌توان یافت که همچون نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، بر ضد سرمایه‌داری شوریده و پیوسته به آن دشنام داده، اما عملاً و ناخواسته به بدترین جنبه‌های سرمایه‌داری، بیشترین فایده‌ها را رسانده باشد.

● کیت مک لاجان: در حال حاضر نقطه ضعف ایران، اقتصاد این کشور است. از بعد از ۱۹۷۹ شاهد کاهش استانداردهای سطح زندگی بوده‌ایم. این کاهش، بی‌شک پیامدهای سیاسی منفی بی‌شماری برای حکومت به همراه خواهد داشت.

● ویژه‌نامه مید: دولت ایران از طریق اعمال کنترل‌های موقتی بر معاملات ارزی، سیر سقوط ارزش ریال را مهار کرده، اما این سنوآل مطرح است که دولت تا چه زمانی قادر خواهد بود ارزش ریال را به صورت مصنوعی در سطح بالا نگاه دارد؟

● دکتر فریدون برکشلی: صنعت نفت ایران دارای ۷۰ تا ۷۵ میلیارد دلار سرمایه ثابت است. حفظ و اداره امور عادی چنین بنگاه اقتصادی و صنعتی عظیمی نیازمند ۸ تا ۱۰ درصد همین سرمایه ثابت یعنی حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار در سال است که حدود نیمی از کل درآمد نفتی کشور را شامل می‌شود.

● علی نقی خاموشی: ۹۰ درصد محصولات غیر نفتی صادراتی، به صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود.

● عسگر اولادی: صادرات غیرنفتی از خرداد و تیر ماه امسال سیر نزولی به خود گرفته و در برخی رشته‌ها نوعی توقف در امر صادرات رخ داده است. چنانکه سریع‌تر به این موضوع توجه نشود، صادرات غیرنفتی همچنان سیر نزولی خواهد داشت.

«در حال حاضر، نقطه ضعف ایران، اقتصاد این کشور است. از سال ۱۹۷۹، با توجه به افزایش جمعیت، شاهد کاهش استانداردهای سطح زندگی در ایران بوده‌ایم. در شرایط کنونی، یارانه مواد غذایی، سالانه پنج میلیارد دلار از کشور را به خود اختصاص می‌دهد. نرخ تورم، سالانه از ۲۵ درصد فراتر رفته و در سالهای اخیر، معضل بیکاری، بیش از دو میلیون نفر را در کام خویش فرو برده است. جنگ و فرار مغزها، ایجاد صنایع مدرن را با معضلات جدی مواجه کرده و میزان محصولات کشاورزی به تبع پارتندگی در نوسان است. بی‌شک کاهش سطح استانداردهای زندگی، پیامدهای سیاسی منفی بی‌شماری به همراه خواهد داشت.» (کیت مک لاجان، آسین افیرز، فوریه ۱۹۹۵)

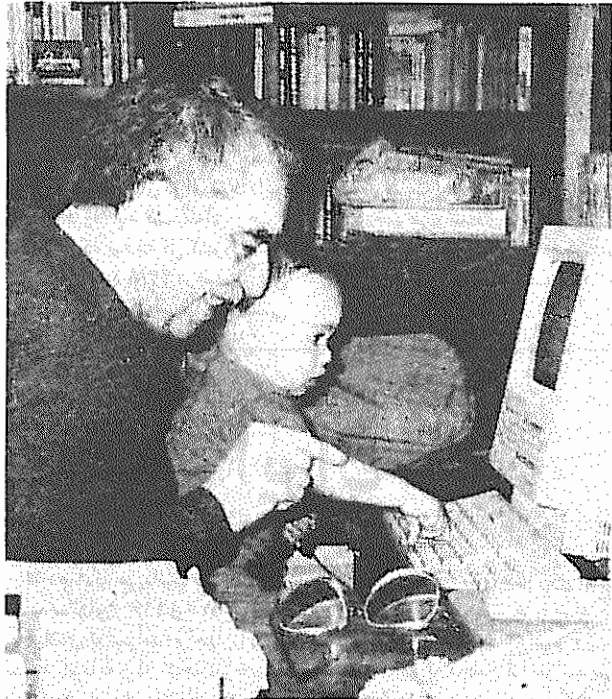
«دولت مردان ایران، پس از مداخله در بازار روز، با هدف پایان دادن به بحران ارزش پول کشور، از اواسط سال ۱۹۹۵، سیاست‌های اقتصادی خود را زیر سؤال یافته‌اند. با تلاش دولت در زمینه تقویت ارزش ریال، از طریق اعمال کنترل‌های موقتی بر معاملات ارزی، برنامه اصلاح اقتصادی، ناگزیر به حالت

تعلیق درآمده است. اعمال این کنترل‌ها، تورم لجام‌گسیخته را مهار کرده، اما این سؤال مطرح است که دولت تا چه زمانی قادر خواهد بود ارزش ریال را به صورت مصنوعی، در سطح بالا نگاه دارد؟» (ویژه‌نامه مید، تابستان ۹۵)

«کمتر نظامی را در جهان می‌توان یافت که همچون نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بر ضد سرمایه‌داری شوریده و پیوسته بدان دشنام داده، اما عملاً و ناخواسته، به بدترین جنبه‌های سرمایه‌داری، بیشترین فایده‌ها را رسانده باشد. تراز حساب‌های ملی ایران در نزد بانک مرکزی، اکنون نشان می‌دهد که در مجموع، چگونه این دشنامها در کارنامه اقتصادی ۱۶ ساله انقلاب، به رشد منفی تشکیل سرمایه در ایران انجامید و حتی در سالهایی چند، نرخ استهلاک سرمایه ثابت ناخالص داخلی از آن پیشی گرفت. از آن سو، رقم شگفت‌انگیز ۵۸ هزار میلیارد ریال نقدینگی که بخش عمده آن در دست گروه‌هایی خاص است، نشان می‌دهد که سرمایه غیر مولد چگونه بیشترین بهره‌ها را از آن خود کرده و چگونه بر اقتصاد ملی سیطره یافت.»

گابریل گارسیا مارکز

از رمان به گزارش، از گزارش به رمان



گابریل گارسیا مارکز، نویسنده کلمبیایی، خالق رمان «صد سال تنهایی» و برنده نوبل ادبی، کتاب گزارشگرانه‌های نوشته است که «یادداشت‌هایی درباره آدم‌ریایی» نام دارد و همین روزها به طور همزمان در اسپانیا و چندین کشور آمریکای لاتین انتشار می‌یابد. مارکز پیش از این نیز بر اساس خاطرات یک فیلمبردار شیلیایی مخالف پینوشه که به صورت ناشناس به میهنش رفته بود، کتابی گزارش‌گونه نوشت که در کنار رمانهای وی اثری با ارزش به شمار می‌رود. مارکز در پاسخ این سؤال هفته‌نامه آلمانی فوکوس که چرا دوباره از رمان‌نویسی به گزارش‌نویسی روی آورده است می‌گوید: «از سر نوستالژی و علاقه» به حرفه اولیه‌ام. من کار خود را با نوشتن گزارش آغاز کردم. گزارش در نظر من شکلی از ادبیات است که متأسفانه در جهان رو به نابودی و انقراض می‌رود. این امر مرا آزار می‌دهد، چرا که برای من گزارش‌نویسی عالی‌ترین شکل روزنامه‌نگاری است. گزارش، اخبار جامع و به عبارتی یک تاریخ کامل است. خواننده باید با خواندن آن احساس کند که خود شخصاً در محل ماجرا حاضر است. کتاب در دست انتشار من یک گزارش در شکل کلاسیک آن است. فکر می‌کنم که این اثر نسبت به رمانهای من تخیل و فانتزی چنین احساسی را خواهد داشت. «یادداشت‌هایی درباره آدم‌ریایی» ماجرای گروگان‌گیری‌هایی است که در سالهای ۹۰ و ۹۱ در کلمبیا یعنی در یکی از مراکز اصلی قاچاق مواد

مخدر در قاره آمریکا به وقوع پیوست. پس از آنکه پلیس کلمبیا رهبری یکی از باندهای قاچاق به نام پابلو اسکوبار را دستگیر کرد و در صدد تحویل وی به آمریکا برآمد، اعضای این باند به ترورهای جنجالی برانگیزی در میان سیاستمداران، قضات، ناشران و از جمله ۴ کاندید ریاست جمهوری دست زدند تا دولت را برای لغو قانونی که تحویل مجرمان بین‌المللی به آمریکا را مجاز می‌کند زیر فشار قرار دهند. آنها در این راستا ۵ عضو خانواده‌های سرشناس کلمبیایی و نیز ۴ روزنامه‌نگار را به گروگان گرفتند که از این عده دو تن در درگیریهای پلیس و رباوندگان کشته شدند و هفت نفر دیگر تنها پس از لغو قانون مذکور و قول «برخورد ویژه و محترمانه» به اسکوبار در زندان، آزاد شدند. کتاب مارکز در واقع شرح این گروگان‌گیریها و توصیف موقعیتی است که رباوندگان در آن به سر برده‌اند و نیز روایتی است از اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی کلمبیا در اوایل دهه جاری. به قول خود مارکز «یادداشت‌هایی در باره آدم‌ریایی» شرح رنج است، رنج همه گروگانها و وابستگان آنها، رنج کسانی که با این گروگانگیریها سروکار داشتند، رنج کلمبیا که در مردمانش این احساس پدید آمده بود که کشورشان در آستانه یک فاجعه قرار گرفته است. خود آدم‌ریایی نیز از رنج و عذاب در امان نبودند. مارکز برای نوشتن این کتاب سه سال به تحقیق و پژوهش کرده با گروگانها ساعت‌ها به گفتگو نشسته و پرونده‌ها و اسناد پلیس را زیر و رو کرده است.

خیابانهای مهنتن به ترتیب الفبا

چهارساله‌اش را اجباراً به دیگران می‌سپارد. یک پانک شور به نام (کیسی) که پیوسته به دنبال سگ گمشده‌اش است و موسیقیدانی به نام (کیت) که در فکر به راه‌انداختن یک گروه موسیقی است. نادری که خود ساکن مهنتن می‌باشد، ضمن اشاره به تغییر مداوم چهره و وضعیت این محل کولین را گذشته، کیسی را حال و کیت را آینده آن می‌داند. نام انگلیسی فیلم چنین است:

امیر نادری، کارگردان نام آشنای ایران که فیلم تنگسیر او هنوز هم در خاطره‌هاست، اخیراً کار فیلم تازه‌ای را به پایان برده است که «خیابانهای مهنتن به ترتیب الفبا» نام دارد و زندگی رنج‌آمیز سه هم‌اتاقی در منطقه «ایست ویلیج» نیویورک را به تصویر می‌کشد. این فیلم دومین قسمت از اثر سه‌گانه نادری است که قسمت نخست آن در سه سال پیش با نام «مهنتن از روی شماره» به روی پرده سینما آمد. سه هم‌اتاقی فیلم «مهنتن به ترتیب حروف الفبا» عبارتند از یک زن عکاس (کولین) که اوقاتش را در رستوران محل می‌گذراند و دختر

Avenues A,B,C
Manhattan

گفته‌ها و نکته‌ها

«از این تاریخ رعایت کامل حجاب که جزئیات آن به شما ابلاغ می‌شود، در همه تولیدات سینمایی ضروری می‌باشد. ضمناً این ابلاغیه، دیالوگهایی را که به طور غیرمستقیم و به کنایه ممکن است نسبت به مسئله حجاب، بی‌اعتنایی و خدای نکرده بی‌احترامی کنند، نیز شامل می‌شود.»

از ابلاغیه عزت‌الله ضرغامی، معاونت جدید امور سینمایی وزارت ارشاد خطاب به مدیر کل نظارت و ارزشیابی همین وزارتخانه

«فی الواقع، باید بگویم که هر سال - نسبت به سال قبل، در زمینه پاسداری از ارزش‌های اسلامی و مسئله خیلی نمایان آن، حجاب، دچار مشکل زیادی هستیم. تحقیقاتی که ما در شورای عالی جوانان در سطح مدارس و دانشگاهها کرده‌ایم، نشان می‌دهد که حداقل امسال نسبت به سال گذشته گرایش به بی‌حجابی بیشتر شده است.»

حجت‌الاسلام محمد هادی تسخیری، نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانس‌های بین‌المللی و رئیس یکی از ادارات وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

«ما به دلیل محدودیت‌های بسیار، نمی‌توانیم این برنامه‌های (خارجی) را بخیریم و گاهی از صد ساعت فیلمی که می‌بینیم، تنها یک ساعتش برای ما مناسب پخش است. بنابراین سینما مجبور است برای صرفه‌جویی و رعایت دیگر مسایل، به تولید فیلمها و سریالهایی بپردازد که فقط خودمان بیننده آنها هستیم و غرب هیچوقت خریدار برنامه‌های ما نبوده است. به این دلیل ما شاید تنها کشوری در جهان باشیم که صادرات به آن وسعت (به) غرب نداریم.»

پهروز مفید، مدیر شبکه پنجم تلویزیون در مصاحبه مطبوعاتی ۲۸ آبان

«چون ایران ام‌القرای جهان اسلام است؛ باید این تفکرات ارزشی و بالنده به مردم متمدن دنیا شناسانده شود، بنابراین روی سینما و فیلم سرمایه‌گذاری خواهد شد و... فیلمهای ایرانی با رعایت اصل عزت، اقتدار، حکمت و مصلحت به جشنواره‌ها فرستاده خواهند شد و در این زمینه شورای بازرینی ویژه‌ای این کار را می‌کند...»

...با توجه به اینکه قبل از انقلاب اسلامی ۴۵۰ سینما وجود داشت و هم‌اکنون این تعداد به ۲۵۰ سینما کاهش یافته است، تلاش داریم مشکلات سیستم خنک‌کننده و گرم‌کننده و همچنین کمبود برق سینماها را حل کنیم.»

ضرغامی معاون وزارت ارشاد در مصاحبه مطبوعاتی ۱۰ دی

تازه‌های کتاب

«تاریخ سینمای ایران» و «فانوس خیال»

مدارک دست اول و عکس‌هایی که برای نخستین بار چاپ می‌شوند، کار جمال امید را از کیفیت بالایی برخوردار کرده‌اند. «تاریخ سینمای ایران» که نویسنده آن سی سال از عمر خود را مصروف تهیه آن کرده است در سه هزار نسخه و توسط انتشارات روزنه (تهران) به بازار کتاب ارائه شده است. برای خرید فانوس خیال هم می‌توان با آدرس زیر مکاتبه کرد:

BBC Persian Section
Po Box 76
London
England

گشایش‌ها و مشکلات آن قرار می‌دهد. با انتشار «تاریخ سینمای ایران» در اواخر تابستان گذشته سینمای مین ما دارای کتاب مرجع با ارزشی نیز شد که جمال امید، مورخ کوشای سینمای ایران آن را تألیف کرده و در ۱۱۷۵ صفحه به بازار فرستاده است. این اثر سرگذشت سینمای ایران و روند تحول آن از سال ۱۲۷۹، سال ورود اولین فیلم به ایران توسط ناصرالدین شاه، تا سال ۱۳۵۷ را پی می‌گیرد و در بخش‌های ۱۹ گانه خود جوانب مختلف فعالیت سینمایی در ایران را با سبزی کاود، پیگیری موشکافانه روند تحولات، اسناد و

این سینما سر و کار داشته‌اند بازگو می‌کند. شاهرخ گلستان که تهیه‌کننده این نوارهاست، آنها را ابتدا در ۱۶ قسمت برای پخش از بی بی سی آماده کرده بود. گلستان در این تلاش خود به سراغ سالمندترین چهره‌هایی که به نوعی از آغاز ورود سینما به ایران یاد و خاطره‌های دارند رفته و با ضبط صدای آنها و سینماگران و سینماشناسان نسلهای بعدتر و نیز ارائه قسمتی از دیالوگها و یا موسیقی فیلمهایی که به نوعی در تاریخ سینمای ایران مطرح بوده‌اند، شنونده را تا حد ممکن در حال و هوای تکوین سینمای ایران و آفت و خیزها و

تاکنون درباره جوانب مختلف سینمای ایران کتابهای متعددی انتشار یافته است و فیلمی همچون «ناصرالدین شاه اکتور سینما» نیز سرگذشت این سینما را به شیوه‌ای هنری به تصویر کشیده است.

اما علاقمندان به تاریخ سینمای ایران دو سال است که با دو اثر پر ارزش در این زمینه روبرو شدند که یکی بر روی کاست نوار و دیگری مکتوب است. «فانوس خیال» که به صورت نوار از سوی بی بی سی به بازار عرضه شده است سرگذشت سینمای ایران را از زبان و خاطره آفرینندگان آن و افرادی که به نوعی با

ترجمه‌هایی از آثار داستانی ایران

«گاو خونی» به انگلیسی

مجموعه داستانی است از ۷ نویسنده ایرانی که کلاوس پتروس و مصطفی افشار پارسا اخیراً آنها را به زبان دانمارکی ترجمه کرده و در این کشور منتشر کرده‌اند. داستانهای این مجموعه عبارتند از: «جشن فرخنده» (جلال آل احمد)، «نفی» (صادق چوبک، «صورتخانه» (سیمین دانشور)، «زنجیر» (بهرام صادقی)، «مهمانی» (غلامحسین سعدی)، «مردی با کراوات قرمز» (هوشنگ گلشیری) و «شب بلند» (منیر وروانی‌پور). این کتاب مقدمه‌ای هم دارد که آن را پرفسور اسمولن استاد ایران‌شناسی دانشگاه کپنهاگ نوشته است.

«طوبوا و معنای شب» به آلمانی

پویایی دانسته است. نویسنده نقد با این ارزیابی، اقدام مأموران سانسور جمهوری اسلامی در ایران و در جلوگیری از انتشار مجدد طوبوا و معنای شب را غیر قابل فهم خوانده و اظهار شگفتی می‌کند که چرا ناشر آلمانی برای انتشار آثار پاریسی‌پور اول از همه این کتاب وی را انتخاب کرده است. «طوبوا و معنای شب» را نیما مینا به آلمانی ترجمه کرده است و انتشاراتی Univerlag آن را ۴۵۷ صفحه و به قیمت ۲۸ مارک به بازار کتاب فرستاده است.

«هفت داستان ایرانی» به نروژی

«هفت داستان ایرانی» نام

«طوبوا و معنای شب» رمان معروف شهرونی پاریسی‌پور که سال ۱۳۶۸ به بازار آمد، اخیراً به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شده است. طوبوا و معنای شب که روایتی از سرگذشت زن ایرانی در این قرن است به هنگام انتشار در ایران نقدهای مخالف و موافقی را برانگیخت. در آلمان نیز در اولین واکنشها، مجله Listen که به معرفی و نقد کتابهای تازه می‌پردازد در نقدی، فضای حاکم بر رمان و روند زندگی شخصیت اول داستان (طوبوا) را بسته، فاقد تحرک و تأثیرناپذیر از محیط اجتماعی ارزیابی کرده و او را بسان اسلام مورد اعتقادش منجمد و فاقد

با کمک‌های مالی خود
فدائیان خلق (اکثریت)
را در انجام وظایف ملی - دموکراتیک یاری
دهید
نشریه «کار»
را مشترک شوید و اشتراک آن را به دوستان
و آشنایان خود نیز توصیه کنید

خانم منیرو روانی پور، بانوی نویسنده ایرانی، که به آلمان سفر کرده است، در شهرهای بزرگ آلمان سخنرانی‌هایی برگزار کرده است. برای آشنایی با زندگی و نظرات وی، بخش‌هایی از سخنان او را که از نشریات مختلف برگرفته شده است، در زیر می‌خوانید:

بانوی نویسنده ایرانی خانم منیرو روانی پور، متولد ۱۳۳۳ اهل روستای «جفر» از توابع بوشهر است. می‌گوید: «جفر زادگاه من است و مایه غرور است. من ادبیات را در ماسه‌های کنار دریای جفر پیدا کردم».

ده سال در جفر، هفت سال در بوشهر و بقیه‌اش را در شیراز گذارند. در جفر پذیرش تبعید شد و او همانجا با مسائل سیاسی آشنا شد. با کتاب «کنیز» که در سال ۶۸ منتشر شد، به دنیای نویسندگی گام گذاشت. علیرغم مشکلات فراوان، چندی نگذشت که کتاب‌هایش جزو پرفروش‌ترین رمان‌های ایران شد.

او در دانشگاه شیراز روانشناسی خواند و فوق‌لیسانس خود را در تهران به اتمام رساند. تنها زندگی می‌کند و کارنامه چند سال کار او چنین است:

- ۱- ترجمه: روانشناسی رنگها، اثر ماکس لوجر
- ۲- فیلمنامه: آب، دیوار گچی، بخش جراحی
- ۳- کودکان: ۴۸ قصه برای کودکان
- ۴- مجموعه داستان: کنیز؛ سنگهای شیطان؛ سیریا، سیریا
- ۵- رمان: اهل غرق، دل فولاد، کولی کنار آتش.
- ۶- گردآوری باورها و افسانه‌ها

او را نویسنده «کوچ» می‌نامند. می‌گوید: «برای اینکه بنویسم، باید همیشه سفر کنم برای همین است که کنیز را در انارستانهای یزد نوشتم، طاووسهای زرد را در شیراز و آبی‌ها را در بوشهر...»

منیرو روانی پور از زندگی و کتاب‌هایش می‌گوید

زن تنها متهم درجه یک

یکی سنگین می‌شود. صبوری و بخشش و یا فریاد زدن بر سر کسانی که زندگی را، بر دیگران تنگ می‌کنند. وقتی پدرت را به بیمارستان می‌بری و می‌بینی سرنگ نیست و یا دارو نیست، حتی آنتی‌بیوتیک، آن وقت همه چیز مثل روز روشن است باید فریاد بزنی، اینجا سکوت چنایت است. اما زمانی هم هست که تکلیف خودت را نمی‌دانی، نمی‌دانی که باید فریاد بزنی و یا صبوری پیشه کنی سعی می‌کنم خلق و خویم را با یاد مسیح تطهیر کنم و در اعالم بی‌گناه باشم، دوست بدام و وقتی به خود بدی می‌شود ببخشم، گاهی وقتها خیال می‌کنم هنوز بر صلیب است. بعد صدایش در ذهنم می‌پیچد... خدایا، خدایا مرا فراموش کرده‌ای و من بغض می‌کنم و می‌بینم هنوز فریاد او و پژواک دردمندانه فریادش روی زمین هست. هنوز کسانی مصلوب می‌شوند. آن وقت دلم برای زمین می‌سوزد. زمینی که در رنده از حضور مردگان آبهای خاکستری است. مردگانی که زندگان را آزار می‌دهند.

نویسنده‌گی در ایران

«هر کلمه باید قطره خونی باشد که از دل آدمی می‌چکد، کلمات هنوز به من حقه می‌زنند هم خون من نیستند. داستایوفسکی میان تمام نویسندگان جهان به کلمات نزدیکتر بود. من فعلا از منهای صد به صفر رسیده‌ام. راه زیادی در پیش است، راهی سخت و ناهموار. چون نیروهای بازدارنده زیادی گریبان آدمی را می‌گیرد. غم نان، سنت‌های نادرست و وحشت از دست دادن زمان».

«کلمه روی کلمه گذاشته‌ام، سنگ روی سنگ تازان قهصه‌ها برای مردم سرپناهی بسازم. چاپ کتاب، بخصوص اهل غرق، برایم شادی زیادی آورد و دوستان خوب زیاد که از هیچ کمکی به من دریغ نمی‌کنند. کتاب‌ها هم یادگار دوران شوریدگی من هستند، حالا می‌دانم که زندگی فقط فریاد نیست، زندگی خودم این را به من نشان داد، مبارزه هست و تسلیم نشدن. تلاش آدمیزاده‌ای که با همه دردمندی، هستی را دوست دارد و زندگی می‌کند. این است که به خاطر گل روی زنان کشور از این به بعد، پیش روی قهرمانان قهصه‌های من رنج، تلاش، بهروزی و شادمانی است. چرا که زندگی فقط رنج‌نامه نیست.

دوست ندارم دنیا را سیاه و سفید ببینم. هیچ ایدئولوژی برای شوربختی مردم نیامده، همه می‌خواهند آدمی را به بهروزی برسانند. اما توی این مملکت ما، همه قیم همدیگر هستند. کسی قبول ندارد که ابتدا به ساکن تو صاحب فکر و اندیشه باشی. این است که از همسایه گرفته تا سپور محله، تا عمه - خاله دوست و رفیق تا مسئول وزارت ارشاد همه می‌آیند و در کارت دخالت می‌کنند و همیشه باید آقا بالاسری باشد که به تو بگوید این کار را بکن، این کار را نکن. همین موضوع نه تنها در نوشتن بلکه در خصوصی‌ترین تصمیمات زندگی، دست و پایت را می‌بندد».

زن تنها متهم درجه یک

این، عنوان سخنرانی خانم منیرو در شهرهای آلمان است. او صمیمی و مهربان از دردهای زنان میهنش سخن می‌گوید زانی که در همه تاریخ مکتوب، او را به هیچ گرفته‌اند. او خود یک زن است و متهم درجه یک. اما پاسخ چنین است.

در کشور ما بخصوص، زن ضعیفه است. دیروز در حرمسرای ناصرالدین شاه بود، حالا پشت میز تحریر نشسته است. خوب این یک اتفاق عجیب و غریب است و کسی باور نمی‌کند. اول از همه باید خودت به خودقبولانی که دیگر در حرمسرا نیستی و پشت میز تحریر نشسته‌ای، چون گاهی آنقدر می‌گویند که ناتوانی و ناتوانی که اسیر توهم می‌شوی. اولین بار که قهصه‌ای را تمام کردم، باور نمی‌کردم که این کار من است پس که حرف‌ها را شنیده بودم. از طرف دیگر بیشتر کسانی که می‌خواهند تو را راهنمایی کنند، در زندگی و کارشان دخالت می‌کنند، سطحی‌تر از آنند که تو حتی بتوانی با آنها حرف بزنی. این‌ها کسانی‌اند که دائم از تو توضیح می‌خواهند و تو باید توضیح بدهی و جایی که مجبور به توضیح باشی بخش عظیمی از نیرویت صرف می‌شود و از خلاقیت باز می‌مانی. در یک فضای آزاد، تو نیازی به توضیح نداری که چرا این جور زندگی می‌کنی؟ چرا این جا رفتی؟ چرا این خط را این جور نوشتی؟

در ایران زن تنها متهم درجه یک است. تو باید پادی‌گارد داشته باشی. حتما باید گردن‌کلفتی کنارت باشی. فکر که اهمیت ندارد، زور و بازو مهم است. یکی باید کنارت باشد که زور بازویش ده برابر آنهایی باشد که دارند به تو پرخاش می‌کنند و ازت توضیح می‌خواهند. آن وقت هست که خودشان را جمع می‌کنند. ولی کسی مثل من، غیرتش اجازه نمی‌دهد که مترسک سرخمرنی برای خودش بترشد. من می‌گویم در جهان امروز چیزی که تعیین‌کننده است، اندیشه است نه زور بازو. بنابراین تمام مکافات متهم درجه اول بودن را تحمل می‌کنم.



در مقابل آن باید‌ها و شاهد‌هایی که آدم را مجبور می‌کند از هدف خودش دور شود، سر خم نمی‌کنم و فکر می‌کنم تاریخ به نفع ما شهادت خواهد داد. ما له می‌شویم ولی کسانی که در آینده می‌آیند، به زن به عنوان یک صاحب‌اندیشه و کسی که نیازهای انسانی دارد حرمت می‌گذارند. من خیال می‌کنم اگر زنی نتواند حق خودش را از دهان اژدها بیرون بکشد زن نیست. همان ضعیفه معروفی است که می‌گویند و من از هرچه ضعیفه‌ام است بیزارم، از نظر من مظلومیت جرم است و هیچ کس را نمی‌تواند تبرئه کند. من به رغم تمام مشکلاتی که در عرصه کار و فعالیت فرهنگی نه فقط با جامعه مردسالار که با پدرخوانده‌های ادبیات نیز درگیر بوده‌ام. پدرخوانده‌هایی که استراتژی باسیکو و سکوت آنها می‌توانست هر جوینده راهی را از مسیر خود منحرف کند.

بارها گفتم که وقتی که می‌گویی هستم باید توان شلاق خوردنش را هم داشته باشی... من دیده‌ام که بسیاری، حتی از میان روشنفکران مدعی ما، هنگامی که با زنی بیوه روبرو می‌شوند یا زنی که تنها برای خود ایستاده و زندگانش را سامان می‌دهد، رفتاری نامناسب پیشه می‌کنند... البته همه این‌ها بر اساس سنت دیرینه است که زن را کنیز «امیر» می‌داند و زنان و مردانی از این دست باور ندارند که کسی که خواهد تو پوز جناب «امیر» بزند و نخواهد که کنیز باشد. من خوشبختانه کودکی خود را در روستای گذرانده‌ام که از امیر و حرمسرا در آن خبری نبود...

در برخورد با زنان نه تنها آقایان، که خود خانم‌ها هم نتوانسته‌اند خود را از سنت‌های دیرینه رها کنند و به زن هنرمند چون موجودی انسانی بنگرند که می‌تواند کار کند و زندگی را به سامانی برساند.

اما در برابر همه این سوءتفاهم‌ها و توهمات و کینه‌توزیهایی که ناشی از سنت حرمسرای است من فقط کار کرده‌ام و به هیچ چیز دیگری جز کار نیندیشیده‌ام و اینطور خودم را در واقع حتی به عقب‌مانده‌های فکری تحمیل کرده‌ام.

تا کتابت چاپ نشده، هیچ کس تو را جدی نمی‌گیرد. تو زنی هستی تنها در برابر تمام ضربیهایی که ممکن است هر زنی از باورهای مردم این سامان بخورد، اما بعد ورق برمی‌گردد، می‌گویند. اها زنی می‌نویسد، مثل اینکه بگویند اها یک ناقص‌الخلقه دارد می‌نویسد. آخر آنقدر چپ و راست گوید‌اند که باورش نمی‌شود که باز هم بلند شوی کاری کنی. آنوقت مثل کوری که از وسط خیابان بگذرد همه می‌خواهند به تو کمک کنند. آری زنی دارد می‌نویسد زنی که قرار بود خفه خون بگیرد.

منتقدین چه می‌گویند

فرج سرکوهی می‌گوید: اهل غرق در سبک و ساختار و موضوع‌ها مضمون‌ها، در شیوه نگارش پرداخت فضا و شخصیت‌ها و گاه حتی در مستحوی پیش خود، رمایی «التقاطی» است. مرادمان از التقاط‌گرایی در این مقال، گردآوری عناصر متضاد از مجموعه‌ای بالذات ناممکن است در یک جمع مکانیکی ساده، بی‌پیوند، غیرارگانیک و ناهمخوان. به رغم فصل‌های جذاب و زیبایی که در جلد اول رمان کم نیست، به رغم آنکه بخشهایی از رمان نشان از اصالت و خلاقیتی تازه دارد، رمایی جوانمردگ شده است.

اهل غرق، التقاطی است چرا که نتوانسته است بین سه سبک رئالیسم جادویی، رئالیسم اولیه و خام و نقالی که در عرض یکدیگر به کار گرفته شده، انتخابی یک دست و وحدتی درونی پدید آورد. و چه کسی می‌تواند؟ اهل غرق، التقاطی است چرا که نتوانسته است بین مضمون‌ها و موضوعات گوناگون خود، بین جهان بذری یگانه و واحد اوائل رمان یا روایت باغی‌گری «مه جمال» و حوادث اجتماعی و سیاسی شهرپور بیست به بعد... یکپارچگی درونی و وحدتی همگن خلق کند.

اهل غرق، یک پیروزی نیست اما می‌توانست و شاید هنوز هم جلد‌های بعدی رمان بتواند یک شکست کامل نیز نباشد. اگر نویسنده چنین عجزانه و شتابزده روال زیبا و یکدست و ساختار منسجم چند فصل اول کتاب را فدای پسند روز و شگردهای قالبی پاورقی نویسی، قربانی وسوسه بازنویسی تاریخ به روال «صدماتی» می‌کند و مارتکز و رمان‌های سیاسی اجتماعی سال‌های اخیر ایران را... نمی‌کرد

واکنش در برابر نقدها

خانم روانی پور در آبان ۶۹ در گفتگو با ماهنامه دنیای سخن می‌گوید: ابتدا در برابر کنیز سکوت بود و سکوت بود و سکوتی که یک سال طول کشید اما در برابر اهل غرق، واکنش‌ها در ابتدا بد خیلی بد. انگار حتی از آن کسی ضایع کرده بودم. این بود که دلتنگ شدم. اما راستش با کمال شرمساری، من خود را گرفتم. دیدم قدرت نوشتن یک قسه

این حق را به من داده است که حداقل پیش خود فریاد بزنم که هیچ کسی حق ندارد راجع به کتاب من بد بگوید دیدم چه جور قدرت می‌تواند آدمیزاده را درنده‌خو کند... به خودم گفتم زن حسابی این همه داد و فریاد زده‌ای آزادی، آزادی بیان. حالا اخمت تو هم رفته، مرگ خوب است برای همسایه! باید مردم حرفشان را بزنند هر جور که می‌خواهند آنوقت یکی جواب می‌دهد...

بله من شتابزده می‌نویسم برای اینکه همیشه خیال می‌کنم پشت این پنجره، یک نامعلوم نگران من و تست. یک موضوع ممکن است سالها ذهن مرا به خود مشغول کند، اما وقتی شروع کنم به نوشتن، خیال می‌کنم فقط چند ثانیه میهمان این جهانم. آن وقت روزی بیست و سه ساعت می‌نویسم. می‌ترسم کارم نیمه تمام بماند، برای همین اهل غرق را چهل و پنج روزه می‌نویسم. دل فولاد را دوازده روزه و خوب...

بعد وقتی کتاب چاپ می‌شود، می‌بینی آنچه را که باید از دست داده باشی از دست داده‌ای... اینجور است که در نهایت لحظه‌های زندگی به مرگ می‌بازند.

در مورد تاثیرپذیری از فاکتور

به مرکز هم می‌گفتند تحت تاثیر فاکتور است. ببینید حال و هوای جنوب شباهت زیادی به حال و هوای منطقه موز خیز ما کوندو دارد. خوب در این مناطق، مردم باورها و افسانه‌های خودشان را می‌سازند... گناه من نیست. به هر حال من نمی‌توانم جفر را نادیده بگیرم چون ما کوندو هست. درثانی مگر بهترین نویسندگان ما، از رئالیسم جریان سیال ذهنی نویسندگان خارجی استفاده نکرده‌اند. اگر گورکی، داستایوفسکی و شولوخوف نبودند، کلیدر هم نوشته نمی‌شد. اینکه یکی از رئالیسم جادویی استفاده کند برای بیان حرفهای خودش ایرادی ندارد، مگر خواسته باشد ادا و اصول درآورد.

اما کار اهل غرق حاصل نه سال کار مداوم و یک بند است. اگر پیکرتراپیشی، این مدت روی کوه دماوند هم کار می‌کرد می‌توانست مجسمه داوود را از سوی آن درآورد. نسبت به کار طاقث فرسای که کرده‌ام، نثرم هنوز ناپخته و شلخته است.

منتقدین مرا به یاد دن‌کیشوت می‌اندازند.

اما امروز خانم روانی پور در مورد منتقدین عقیده دیگری دارد. وی در مجله معیار (آبان ۷۴) می‌گوید:

سنت‌ها چنان ذهن را مشغول به خود کرده که بیشتر نگهبان یکدیگریم. نقد در ایران می‌تواند هم‌طرز نقد‌های اساسی باشد که در جهان روی کارهای بسیاری نوشته شده است. اما قبل از هر چیز در مورد نقد هم کمیت ما می‌لنگد. ما در نقدها بیشتر از همه چیز بی‌سوادی، بغض، کینه و ساده‌انگاری می‌بینیم. در مورد کارهای من، اکثرا بیان نقدها بر این بوده که می‌روم در یک روستا و یا جای دورافتاده و عکس‌های قهصه‌ها و افسانه‌ها می‌گیرم و بعد می‌آیم و به خلق‌الله قالب می‌کنم.

سق آقایان منتقدین ما را با یک چیزهایی که سی چهل سال پیش در خارج مد شده و تازه به این جا رسیده، بسته‌اند. یا فاکتور و یا جویس را می‌گویند توسر نویسنده. من از بی‌فرهنگی بیزارم، ولی نمایش افاضات فرهنگی بیشتر حال مرا به هم می‌زند. این نشان ناتوانی منتقد یا هر کس دیگر است که چند تا اسم را قاطار کنند و بگویند بر سرو صورت این و آن. نویسنده کار خودش را می‌کند.

هنرمندان مهاجر

من نمی‌گویم همه کسانی که کوچ کرده‌اند آدم‌های متفکر و اندیشمندی هستند، اما آنها که من دیدم و روبرو شدم اینگونه بودند. البته من با این آدم‌هایی که در خارج هستند چون هیچکدام جفرهای نبودند اختلاف عقیده و سلیقه دارم! کسانی که از ایران می‌آیند اینها را ندیده می‌گیرند شاید می‌ترسد نامی از آنها در ایران به میان آورند. اینجا موس موس می‌کنند و میهمان این و آنند و آنجا گریه‌رقصانی می‌کنند. شاید آنجا آدم را چیزخور می‌کنند که چیزی نمی‌گویند.

تاسف می‌خورم که جای فعالیت شورانگیز و مثبت کم است. شاید آن افسردگی و دور از وطن بودن، پروبال اینها را بسته. باید این دیوار را شکافت. من ادبیات و هنر ایران را مثل یک پرند می‌بینم که یک بالش این طرف است و بال دیگری آن طرف. پرند با یک بال نمی‌تواند ببرد و به زمین می‌افتد. کسانی را در اینجا دیدم که وطنشان را دوست دارند. سالها در آن کار کرده‌اند و شعر و قسه و نقد نوشته‌اند. من آنجا ناسزا می‌گویم و فحش می‌دهم و نکر می‌کنند آگه جنس را از خارج وارد کنند دکان خودشانتخته می‌شود. روحیه کاسبکاری حاکم است... اینجا حرمت‌گذاری به فرهنگ بیشتر است به خاطر مجالی که شاید برای خندیدن دارند.

آخرین اثر، «کولی کنار آتش»

سال ۶۹ کار این رمان تمام شده بود. آن را خواندم و گذاشتم کنار و رفته مسافرت و درگیر کارهایم شدم. کار اصلی این رمان ۴ سال طول کشید. مقصودم کار منظم سیستماتیک نیست. این کار تقریباً بین دوازده تا پانزده بار بازنویسی شده است و این رمان الان تنها چارچوب اولیه «کولی کنار آتش» سال ۶۹ را دارد و تفاوت‌های خیلی زیادی کرده است. هنوز هم دارم روی آن کار می‌کنم. نمی‌دانم کی چاپ شود. من آن را رها کردم تا مثل یک زندگی جریان داشته باشد. نه آن‌طور که یک خط را بگیرم و تا انتهاش و یا فوش از شگردهای جریان سیال ذهن و فلاش بک استفاده کنم.

بانوی عدالت

س. فرید (بلژیک)

انقلاب بهمن از نظر کمی بزرگترین خیزش یک ملت علیه ظلم و بی عدالتی بود. تب این انقلاب، مردمی را به خیابان آورد که اکثریت بزرگی از آنان در جریانات سیاسی شرکت فعال نداشتند. آن‌ها نه با ندای این یا آن حزب، که در پاسخی احساسات جریحه‌دار شده و منتقلب خویش به خیابان‌ها آمدند.

روحانیت و در راس آن خمینی، بازیگران پر تجربه تعزیه‌ای بودند که پیش‌پرده آن سال‌ها در هر کوی و برزن به نمایش درآمده بود. شاه جابر و ظالم به شکل طبیعی نقش یزید را به عهده گرفت و بالطبع خمینی تبعید شده و مظلوم، نقش حسین. در این سناریو، حتی مرده‌ها نقش بازی می‌کردند که مصطفی، فرزند مرده خمینی نقش علی‌اصغر را بازی کرد. تعزیه همه چیزش حاضر است، فقط کافیت که یزید نقشش را به خوبی بازی کند و خون بریزد. شاه هم که قبلاً بارها از پس این ناچیز برآمده بود، بر در و دیوار خون پاشید، وامصیبتا، یا امام حسین، الله اکبر، صلوات بلند ختم کنید!

خون جنون شد، سیل شد. هر زنی زینب شد. عدالت، عدالت، نه! نگوئید عدالت، بگوئید اسلام، که اسلام همان عدالت است. جمهوری اسلامی آری. فرشته درآمد با کتابی در یک دست و

شمیری در دست دیگر تا عدالت را به طالبانش! ارزانی کند. و چنین شد. هر طلبه‌ای امام شد، قاضی شد، عالم و فیلسوف شد، شاه شد. تا هر عدالتی را که اسلام نیست، گردن بزنند و سنگسار کنند و چنین شد که از شانه‌ها طناب گذر کرد.

۱۷ سال از این ماجرا می‌گذرد، از درد این سال‌ها قلم که بگردانی، کوه را می‌گریانی. ولی چه سود از گریاندن مردم که قلم باید راوی امید و شادی باشد در سرزمینی که اشک حدیث هر روز است.

بباری، پس از ۱۷ سال تعزیه بی‌روقت شده و بازیگران از نفس افتاده‌اند. عدالت، چون بانویی که به پهنانی سنگسار شده و مرده، فرزندی می‌زاید، بی پدر. زیرا که به کور سو قانوسی روشنفکر شدگان، یزیدیان و تعزیه‌خوانان، انکار می‌کنند هماغوشی مردم را با عدالت.

کاش عمر سومی می‌داشتند این عمر دوباره یافتگان تا به چشم خویش می‌دیدند مردمی را که در پس سال‌ها گاو آهن به گرده کشیدن، چگونه بخواهند خاست بای یافتن فرزندان گمشده خویش، عدالت، که آزادی خمیره آن است. هم‌چنان که برخاسته بودند. در پس دروازه‌های تمدنی که فقر در سوئی و ثروت در در سوی دیگر

انباشته می‌شد. آن‌ها برای خربزه انقلاب کردند نه برای اسلام. برای سرپناه انقلاب کردند نه برای مسجد که انقلاب از خاک سفیدها و حلیی‌آبادها آغاز شد. امروز نیز مفهوم آزادی جدا از خرما و خربزه و سرپناه نیست که آزادی شغال در لانه مرغ‌ها، متهی به آزادی مرغ‌ها نخواهد شد.

وفاقی در کار نیست با سلاطین زور و قاریان نکبت. چه وفاقی است میان دشنه و دل؟ چه جای وفاقی است وقتی که سر به زیر ساطور است و آزادی پرندای مرده در زیر نشیمن شیخ؟

قبل از این که وفای کنی، قوی شو، بزرگ شو، نیرو بگیر و وقتی که آن قدر نیرو گرفتی که ساطور از گردنت برداری، با عدالت وفای کن. آن وقت است که می‌شوی ماندلا، آن وقت است که می‌شوی مهماتا گاندی.

گردن به زیر تیغ و دستی پیش آورده برای فشردن دست جلا، غمگین‌ترین تراژدی عجز انسانی است که نه اشک، بلکه لبخندی تلخ را بر لب‌ها می‌نشانند.

چه بسر ما رفته است که پیش‌قراولان جویای عدالت به تبلیغ زبونی نشسته‌اند و به پرندای مرده در زیر عبای شیخ دل بسته‌اند، به

تقدیم به رفیق فدایی «ف.ع»

پادشاهانی دل بسته‌اند که جان و مال‌مان بستگی به جهاز هاضمه‌شان داشت؟

کوروش جهان‌گشایی کرد و گاو آهن برگرده‌مان نهاد. داریوش ما را با اسپانش در یک ردیف آورد (...سرمزینی با مردان و اسبان بسیار) و رضا شاه بر دستاوردهای انقلاب مشروطیت شاشید و توی سرمان زد و ما باز گاو آهن برگرده کشیدیم و امروز این را و آن را تا ابد توی سرمان مسی‌زندی، این راه‌آهن را و آن کشورگشایی را، انگاری ماهیچ بودیم، پوچ بودیم و ارزش‌ها را آن‌ها آفریدند. باری و به هر حال سخن کوتاه که این‌کرم از پس سال‌ها، هم‌چنان خواهان عدالتند. تعزیه‌خواهان نقاب از چهره برگرفته‌اند و مستضعفان فراموش شده‌اند. دزدها رفیق همدند و شریک حاکم. آزادی تنها نام میدانی است در تهران و فرزندان کاهوه به راه «پدر رفته» پای می‌نهند، زیرا در تاریخ «شاه نوشته» نوشته نبود که سرنوشت کاهوه پس از ضحاک، همان بیگاری و ذلت بود، همان حکایت مزدک بود، که اگر چنین شود باش تا تعزیه و تعزیه گردانی دیگر.

بیانید برای نجات جان علی توسلی

دست به دست یک دیگر بدهیم!

پس از سلام و با آرزوی موفقیت هرچه بیشتر شما، صحبتی با هواداران سازمان شما و همه انسانهای آزادی‌خواه دارم:

هواداران سازمان فدائیان و مردم آزاده ایران، من هم یکی از شما هستم. به خاطر شرایط زندگی غیرانسانی، مجبور شدم از ایران کوچ کرده و به کشور آلمان بیایم. ای انسان‌های آزاداندیش، بیایم تعصبات خود را کنار گذاشته و با هر ایدئولوژی و هر مراسم که داریم، برای پیشبرد مبارزات داخل کشور، دست هم را به گرمی بفشاریم. در شرایطی که رژیم انسان‌های آزاداندیش را در داخل ایران دستگیر و اعدام می‌کند، دست به قیاحانه‌ترین حرکت‌ها زده، آدم‌ربایی کرده و با ربودن علی توسلی، باز هم نشان می‌دهد که دشمن انسانیت است. ما کاری نداریم که علی توسلی

آلبرت. ۲۳/۱۲/۹۵

روزهای «افتخار» سلطنت طلبان!

کیهان لندن در شماره ۵۸۵ خود به تاریخ ۵شنبه ۱۶ آذر در صفحه اول، به عنوان سرمقاله از ۲۱ آذر ۱۳۲۵، روز سرکوب جنبش آذربایجان ایران به رهبری فرقه دموکرات از ۲۵ آذر ۱۳۲۵، روز سرکوب جنبش کردستان توسط ارتش پهلوی، به عنوان روزهای بزرگ و افتخارآفرین نام برده است. این هفته‌نامه در شماره بعدی خود، مقاله‌ای به قلم سپهبد حسن منیعی زیر عنوان «به یاد ۲۱ آذر ۱۳۲۵، پژوهشی درباره اهمیت استراتژی آذربایجان و کردستان» به چاپ رسانده و در هر دو مورد از این دو جنبش، به عنوان دسیسه شوروی برای تجزیه خاک ایران، نام برده و افتخار سرکوب را نصیب ارتش و شاهنشاه کرده است. آقای سپهبد می‌نویسد: «ستاسفانه در جنگ دوم جهانی، با وجود اعلام بی طرفی، هر دو کشور روس و انگلیس، از شمال و جنوب و خاور و باختر به ایران حمله ور شدند (بدون اعلام جنگ قبلی) و اعتنایی به بی طرفی ایران نمودند. در نتیجه، از شهریور ۱۳۲۰ به بعد، متجاوز از چهار سال، مردم غیور و مبین پرست آذربایجان و کردستان محکوم به زندگی حقارت‌بار در جوار ارتش اشغالگر شوروی گردیدند».

آقای سپهبد و هفته نامه کیهان از کنار یک مساله با زرنگی عبور می‌کنند که علت هجوم قوای متفقین به

خاک ایران چه بود؟ و این سوال مهم را اصلاً طرح نمی‌کنند که آیا ارتش شاه در برابر متجاوزین واقعاً مقاومتی هم کرده؟ و بالاخره دست آخر ارتش شوروی خود خاک ایران را ترک کرد یا شاهنشاه «مبین پرست» و ارتشش، شوروی را مجبور به ترک خاک ایران کردند؟ اگر به حرفهای آقای سپهبد و روزنامه کیهان باور کنیم، پس ارتش شوروی تنها برای برپا کردن جمهوری‌های آذربایجان و کردستان و تجزیه آن‌ها قدم به خاک ایران گذاشت و اصلاً قضیه جنگ جهانی دوم و سعی در کمک و تبلیغات به سود آلمان نازی از طرف رضا شاه، واقعیت خارجی نداشته است! زنده یاد «همین»، شاعر و نویسنده کرد، قضیه را به این صورت بیان می‌کند: «در سرتاسر روزگار حکومت پهلوی‌ها، کار روزنامه‌های ایران بد نوشتن از شوروی بود. در آن وقت بلشویک بزرگترین فحش به حساب می‌آمد. به ویژه پس از آن‌که جنگ بین آلمان نازی و اتحاد شوروی درگرفت، نشریات ایران همه نوشته‌هایشان به سود آلمان و به زیان شوروی بود. مدتی بود شهربانی مهاباد رادیویی دائر کرده بود که برنامه‌های «برلین» را به زبان فارسی پخش می‌کرد که سر تا پا فحش به کمونیسم و بلشویزم بود.» (نقل از کتاب «تاریک و روشن» همین).

سلطنت طلبان، همانند حکام

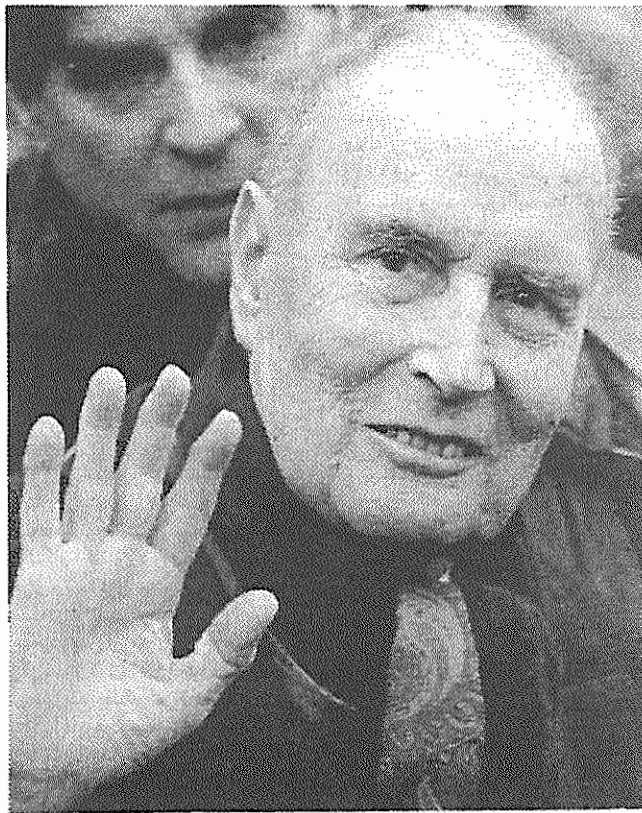
می‌شدند. آقای سپهبد می‌نویسد: «ستون اعزامی به کردستان غیر از مسیر بیچار - مراغه، پس از ورود به شهر مهاباد (مرکز کردستان) و محاکمه و اعدام رئیس حکومت شوروی «قاضی محمد» و فرمانده ارتش او به نام سیف قاضی، به عمر حکومت پوشالی «حزب کومله کردستان» پایان بخشیدند.»

حقیقت را می‌توان از لابلای تحریف‌ها باز شناخت و آن این‌که رژیم پهلوی در بدو ورود دست به کشتار و اعدام زد. آقای منیعی قصداً از رئیس حکومت شوروی و فرمانده ارتش نام می‌برد و اشاره‌ای به صدر قاضی، برادر قاضی محمد، در میان اعدام شدگان نمی‌کند، از حکومت «حزب کومله کردستان» نام می‌برد و با خشم و کینه از بیان جمهوری مهاباد و رهبری آن، حزب دموکرات کردستان، طفره می‌رود، از کشتار مردم آذربایجان بعد از اشغال توسط حکومت پهلوی هیچ نمی‌گوید و همه کس را عاملین بیگانه جا می‌زند و... سلطنت طلبان در مورد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب مردم در سال‌های ۵۶ و ۵۷ هم به همین حربه‌ها متوسل شدند. انگار سیا و آمریکا که حکومت مصدق را سرنگون کردند بیگانه نبودند!

آقای منیعی در ادامه مقاله خود نتیجه می‌گیرد که: همگی باید در زیر سایه شهریار ایران و هماهنگ کننده اپوزیسیون و وارث قانونی تاج و تخت

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ()</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>I.G.e.v</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Koeln</p> <p>Germany</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>آدرس: Stadtsparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>
--	--	---	--

«مرد قرن» فرانسه درگذشت



فرانسوا میتران، رئیس جمهور پیشین فرانسه، کسی که چهارده سال متوالی از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۵، در سمت‌گیری فرانسه، اروپا و تا حد قابل توجهی در سراسر جهان در این سالها تأثیر تعیین‌کننده‌ی داشت، در بامداد روز ۸ ژانویه بر اثر بیماری سرطان پروستات درگذشت.

فرانسویان با احساس از دست دادن یک «پدر» و شاید به توصیه‌ی آن پرفریت، سیاستمدار و ادیب معروف هم‌وطن‌شان که «روز واریسی نیست، زمان گرمی داشت است» کوشش نمودند در روزهای پس از مرگ او خصایل مثبتش را عمده کنند و حتا پیگیرترین رقبا و مخالفانش از انتقاد از وی چشم پوشیدند.

بدنبال شورش در زندان استانبول مردم در شهرهای بزرگ ترکیه دست به تظاهرات زدند

۲۴ دی ماه گذشته (۴ ژانویه)، بدنبال شورش زندانیان سیاسی در زندان استانبول و حمله پلیس، ۳ زندانی کشته شدند. پس از این واقعه، ناآرامی در زندانهای مختلف ترکیه گسترش یافت. زندانیان سیاسی خواستار بررسی این جنایت شدند. در ازبک زندانیان ۲۹ تن از کارکنان زندان را به گروگان گرفتند تا هر چه زودتر نتیجه تحقیقات اعلام شود. زندانیان سیاسی از جمله خواستار بهبود شرایط زندانها شدند. پس از این واقعه، تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای ترکیه برای همبستگی با زندانیان سیاسی که اکثراً زندانیان چپ هستند، برگزار شد. در استانبول این تظاهرات به آتش‌سوزی‌ها و حمله به بانکها و مراکز پلیس منجر شد. در جریان این دستگیریها از جمله ۱۵۰۰ نفر دستگیر شده و به یک استادیوم برده شدند. از جمله این دستگیرشدگان، «متین گوپکه» خبرنگار ۲۷ ساله روزنامه «اورن سل» بود که روز بعد جسد او در حالی که آثار شکنجه بر بدنش وجود داشت، پیدا شد. آنجمن حقوق بشر ترکیه مرگ او را ناشی از

شکنجه توسط پلیس اعلام کرد. پارلمان اروپا در روز ۱۶ ژانویه جایزه آزادی عقیده را به لایلا سنا اهدا کرد. این نماینده ۳۴ ساله پارلمان ترکیه، از سال ۹۴ به اتهام ارتباط با حزب کارگران کردستان ترکیه به ۱۴ سال زندان محکوم شده است. همسر لایلا، مهدی سنا که خود ۱۴ سال در زندانهای ترکیه در کردستان بسر برده است، به نمایندگی از لایلا سنا جایزه وی را دریافت کرد. در پیام لایلا سنا او پیشنهاد سه ماده‌ای خود را برای پایان دادن به جنگ خونین کردستان اینگونه اعلام کرد: دو طرف باید آتش‌بس نامحدود اعلام کنند، تمام زندانیان سیاسی آزاد گردند و آزادی فعالیت احزاب سیاسی کردستان تأمین شود. لایلا در پیامش گفت که پذیرفتن ترکیه به اتحاد گمرکی، احساسات ما را جریحه‌دار ساخت. پارلمان اروپا آگاه است که رژیم آنکارا در چهار سال گذشته ۳۰۰۰ روستای کردنشین را ویران ساخته است، سه میلیون را آواره و ۱۰۵ تن از رهبران آنها را به قتل رسانده است. به خاطر این جنایات، رژیم باید در مقابل خلق کرد زانو بزند.

در نخستین انتخابات در فلسطین عرفات به ریاست شورای رهبری فلسطین برگزیده شد

بعد از انتخابات، مذاکرات فلسطین و اسرائیل برای تعیین وضعیت نهایی مناطق خودمختار دنبال خواهد شد. در حالی که عرفات انتخابات را یک «حادثه تاریخی» قلمداد کرد، برخی از مخالفین او از جمله سخنگوی حماس از آن به عنوان یک «شوخی» یاد کردند و گفتند «انتخاب بین عرفات و عرفات و بین الفتح و الفتح می‌باشد». برخی از نمایندگان معتقد هستند عرفات از امکان تبلیغاتی بیشتری برخوردار بود و از نفوذ خود برای تصاحب رای بیشتر استفاده کرد. او از جمله ۱۶ منطقه انتخابی را تغییر داد تا تناسب آرا به نفع الفتح تغییر کند. روز جمعه گذشته در رام‌الله تظاهراتی در اعتراض به دستگیری یکی از رهبران جبهه خلق برای آزادی فلسطین برگزار شد که به درگیری بین پلیس و تظاهرکنندگان انجامید. دو خبرنگار خارجی که از این تظاهرات گزارش تهیه می‌کردند مورد حمله قرار گرفتند. فعالین حقوق بشر علیه این اقدامات اعتراض کردند.



محدودی برخوردار است. این اختیارات در زمینه‌های اقتصادی و اداری و بهداشت و آموزش و پلیس محلی می‌باشد. این شورا تا ۴ ماه مه سال ۹۹ میلادی اعتبار دارد.

سخنگوی حماس از انتخابات به عنوان یک شوخی و «انتخاب بین عرفات و عرفات» نام برد

بیش از یک میلیون فلسطینی در نوار غزه، کناره غربی رود اردن و شرق اورشلیم برای انتخاب شورای فلسطین و رهبر آن روز سسی دی ماه (۲۰ ژانویه)، به پای صندوقهای رای رفتند و یاسر عرفات رهبر سابق را به رهبری شورای فلسطین برگزیدند. یاسر عرفات رهبر ۶۶ ساله سازمان آزادی‌بخش فلسطین و سمیه خلیل ۷۲ ساله طرفدار حقوق زنان، تنها کاندیداهای رهبری شورای فلسطین بودند عرفات ۸۰ و خلیل ۱۰ درصد آراء را به دست آوردند. سمیه خلیل معتقد بود که اختلافات جدی با یاسر عرفات ندارد ولی او حقوق زنان را نمایندگی می‌کند. برای انتخابات شورای فلسطین و ۸۸ کرسی نمایندگی، ۷۰۰ نفر خود را کاندید کرده بودند. مهم‌ترین گروهها و احزاب شرکت‌کننده در انتخابات الفتح، حزب کمونیست فلسطین و تشکیلات «فدا»

وزیر امور خارجه روسیه استعفا داد

روسیه استعفا داد



روز ۱۵ دی ماه گذشته، آندره کوزیروف، وزیر خارجه روسیه از سمت خود استعفا داد. کوزیروف که از سال ۱۹۹۰ در راس وزارت خارجه روسیه قرار داشت، علت استعفا خود را شرکت در «دوما»ی روسیه اعلام کرد، اما استعفا او با نتیجه انتخابات اخیر در این کشور مربوط دانسته شده است. در طی مساهلهای اخیر عملکرد کوزیروف با مخالفت گروه گسترده‌ای از نمایندگان دوما روسیه مواجه شده بود. روز ۱۹ دی ماه، یلسین طمی فرمانی، یوگی پریماکف را به ریاست وزارت خارجه روسیه منصوب کرد. پریماکف پیش از این رئیس سرویس خارجی جاسوسی روسیه بود. وی در سال ۱۹۲۹ در اوکراین متولد شده است و در دوران گابریلوف نماینده ویژه او در امور خاورمیانه بود.

نیم میلیون کودک عراقی بر اثر تحریم از بین رفته‌اند



بیمارستانی در عراق، یک کودک عراقی از بیماری سوء تغذیه رنج می‌برد

پنج سال از تحریم اقتصادی بین‌المللی عراق که توسط آمریکا هدایت شده و سازمان ملل آن را تصویب کرده است، گذشت. عراق از یک کشور نفت خیز ثروتمند تبدیل به یک کشور فقیر شده است و حق فروش نفت و حق هیچگونه وارداتی را ندارد. درآمد متوسط ماهانه که در اوایل جنگ خلیج فارس ۷۰۰ دلار بود به یک تا دو دلار کاهش پیدا کرده است. به دنبال این تحریم لایه‌های متوسط نابود شده‌اند و کشور به یک جمعیت فقیر و یک لایه بسیار کوچک ثروتمند که از تحریم سود می‌برند، تقسیم شده است. بسیاری از کودکان از سوء تغذیه رنج می‌برند. قیمت مواد غذایی در بازار آزاد برای بسیاری از مردم قابل پرداخت نیست. دارو، غذای کودکان، شرم و واکسن جزء موادی هستند که کمبود آن شدت محسوس است. در گزارش سازمان کشاورزی و خواربار جهانی (فائو) برآورده شده است حدود نیم میلیون کودک عراقی بر اثر تحریم بین‌المللی عراق از زمان پایان جنگ خلیج فارس تاکنون جان خود را از دست داده‌اند.

تلاش‌های میانجی‌گرانه در افغانستان بدون نتیجه مانده است

از اعزام هیئتی از طرف رژیم قندهار برای مذاکره با طرفین درگیر اعلام کرد: «زیاده‌خواهی اولیه طالبان مورد قبول ما نیست و یک گروه به تنهایی در افغانستان کاری نمی‌تواند بکند». گروه طالبان نیز متقابلاً اعلام داشت که جمهوری اسلامی در افغانستان «بی‌طرف» نیست.

زخمی شدند. در پی تحریکات جمهوری اسلامی برای میانجیگری بین گروههای درگیر، فاضل، رهبر یک جناح وحدت اسلامی گفت: «ایران میان دو جناح یک جنبش شیعه افغانی که با دولت افغانستان قرارداد صلح امضا کرده، میانجیگری کرده است». ولایتی وزیر امور خارجه اسلامی بعد

تأمین کننده سلاح‌هایی برای مجاهدین بوده است که بعد از خروج ارتش شوروی علیه گروههای مخالف نشانده رفته‌اند. حملات گروه طالبان به کابل همچنان ادامه دارد. در یک حمله در ۲۸ دی (هشتم ژانویه) به شهر کابل ۷۷ راکت شلیک شد که دهها نفر کشته و

عضو بین‌الملل، جامعه جهانی و بخصوص آمریکا را متهم کرد که جنگ در افغانستان و تجاوز به حقوق بشر را نادیده می‌گیرند. رئیس عفو بین‌الملل در واشنگتن، «جیمز اورا»، خواستار یک واکنش جهانی برای پایان دادن به جنگ ۱۶ ساله افغانستان شد. او یادآوری کرد که آمریکا بزرگترین

مصاحبه با دیمتریس کریستو فیاس، دبیر کل «آکل»
هدف اصلی
به دست آوردن ارگان‌های دولتی
توسط چپ‌هاست صفحه ۱۱